

شور انقلابی خلق قهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین و ثقیقه تأمین پیروزی سریع است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۳
چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۳۰ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

• ما خود را در نگرانی های
آیت الله منتظری و دیگر
مقامات مسئول درباره
پی آمدهای ناشی از
طولانی شدن جنگ
شریک می دانیم

• چرا حزب توده ایران
نظر خود را درباره برخی
از شخصیت ها تغییر داده
است؟
صفحه ۶

امام خمینی: امیدوارم خبر پیروزی نهایی را بزودی دریافت دارم

«امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ پیام رئیس جمهوری در مورد شروع پیروزمندانه عملیات تهاجمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پیامی فرستادند. هماهنگی، انسجام و پشتکار بقیه در صفحه ۲»

آیت الله منتظری:

این هجوم دلاورانه نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

صفحه ۲

از روز جمعه ۱۵ دیماه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تهاجم گسترده پیروزمند خود را علیه نیروهای تجاوزگر صدام آغاز کردند

درباره تشنج و درگیری اخیر در گیلان
ضد انقلاب آب را گل آلود
می کند!

صفحه ۷

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنوب، از روز ۱۶ دیماه ۵۹ نخستین دور عملیات تهاجمی پیروزمند خود را علیه دشمن

متجاوز آغاز کردند. در این نبرد رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، با هماهنگی کامل، ضربات کوبنده ای بر تجاوزگران صدامی کوبیدند.
بقیه در صفحه ۷

* حمله متقابل دشمن دفع شد.
* در نخستین حملات پیروزمندانه ۲۰۰ تن از تجاوزگران صدامی کشته شدند و بیش از ۱۰۰۰ نفر به اسارت درآمدند

حجت الاسلام خامنه ای:

حمله ای که شد، بایستی حتماً ادامه پیدا کند

حجت الاسلام خامنه ای، نماینده امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران، که از نخستین ساعات شروع عملیات تهاجمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه حضور داشت، در مصاحبه ای، با خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ضمن تأکید بر هماهنگی کامل نیروهای مسلح انقلاب در عملیات خاطر نشان کرد که: «حمله ای که شد بایستی حتماً ادامه پیدا کند»
حجت الاسلام خامنه ای در این مصاحبه از جمله گفت: «به نظر من حمله ای که امروز

حجت الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین:

آمریکادشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه چایگان.

صفحه ۷

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

امید که در روزهای آینده شاهد مراحل نهایی شکست و طرد متجاوزان مزدور باشیم

صفحه ۷

دو نوع برخورد درباره توطئه هشتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیارکن

«آمریکا نیروهای ویژه ای را آماده کرده، تا در شرایط خاص وارد عمل کند و چون این سه جزیره در داخل تنگه هرمز قرار دارد و خطرناک است، ما به همه کشورهای منطقه اخطار می کنیم، مراقب بازی ابرقدرت آمریکا باشند».

(بیزادبوی - اول دی ۱۳۵۹ - نقل از صبح آزادگان)
«این ضربه ای که آمریکا دم از آن می زند، این است که در يك نقطه نیرو پیاده کند یا جزایر را بگیرد و از آن طریق راه کشتیرانی را بروی مابیند ویا یکی از شهرهای ما را بمباران کند».

(جلال الدین فارسی - ۷ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب کن

«بعضی از مستند نشینان که به گفته های امام ایمان ندارند، احياناً به ترس از آمریکا دچار شده اند و بدین گمان باطل اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست».

(میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

معضل بزرگ زندگی توده ها گرانی

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

فعالیت عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف برای برپا کردن اعتصاب

در این میان گروهی از عناصر مشکوک می‌کوشند که اساتید این دانشگاه را به بهانه اعتراض به فعالیت‌های این شورا و همچنین طرح این مسئله که فعالیت این شورا بدون مشارکت تمامی اساتید است، آنها را به راهپیمایی و تحصن بکشانند. ما هشدار می‌دهیم:

در شرایطی که ایران در حال نبردی سرفروخته‌ساز با دشمن اصلی خود، امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است، عناصر مشکوک، ضدانقلابی، لیبرال و مائوئیست می‌کوشند که یک اعتراض سراسری را علیه جمهوری اسلامی ایران، زیر پوشش «دفاع از بازگشایی دانشگاه‌ها» و انحلال «شورای جهاد دانشگاه‌ها»، سازمان دهند. مسلماً اساتید مسئول اختلافات خود را از طریق مذاکره با مسئولین امور در دانشگاه‌ها حل خواهند کرد و با هشجاری تمام از اقتادن در دام گروهک‌های ضدانقلابی احتراز خواهند نمود. ما از مسئولین امر در دانشگاه‌های ایران و بخصوص دانشگاه صنعتی شریف می‌طلبیم که از طریق مذاکره با اساتید این دانشگاه‌ها و توجه به خواستهای بحق و منطقی آنها، زمینه فعالیت گروههای ضدانقلابی را از بین ببرند.

عوامل مشکوک در دانشگاه صنعتی شریف، محیط آرام این دانشگاه را به محیطی مملو از تفرقه و تشنج و درگیری تبدیل کرده‌اند. این عناصر که در میان آنها براحتی می‌توان طیف ضد انقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌ها را مشاهده کرد، به بهانه «بازگشایی دانشگاه‌ها» و اعتراض به فعالیت‌های مثبت «شورای جهاد دانشگاهی» این دانشگاه، می‌کوشند یک اعتراض عمومی در این دانشگاه برپا اندازند.

به تصمیم «ستاد انقلاب فرهنگی»، ستادهایی بنام «شورای جهاد سازندگی دانشگاه‌ها» در سراسر دانشگاه‌های ایران تشکیل شده است. این ستادها با استفاده از امکانات علمی و فنی دانشگاه‌ها، می‌کوشند امر بازسازی صنایع ملی ایران را سامان دهند. «شورای جهاد دانشگاهی» دانشگاه صنعتی شریف نیز، با استفاده از امکانات این مرکز، توانسته است اقدامات مثبتی مانند ساختن ۳۰ کوره آجرپزی در سطح کشور، تعمیر رادارهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، بکار انداختن کارخانه، تولیدات سبزی‌بوری و... به مورد اجرا بگذارد.

آیت‌الله منتظری: این هجوم دلارانه نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی است

آیت‌الله منتظری به دنبال پیروزی مرحله اول تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، خطاب به رئیس‌جمهوری پیامی فرستادند. آیت‌الله منتظری در پیام خود ضمن تقدیر از تمامی رزمندگان انقلاب، امم از ارتش، سپاه پاسداران، بسیج و مرزداران غیور وطن، تاکید کردند: «این هجوم دلارانه، نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم جهت پیشروی نیروهای مسلح اسلام می‌باشد». آیت‌الله منتظری همچنین خاطرنشان کردند: «امید است، همانطور که امام، مدظله، فرمودند، این حرکت ادامه یافته و پیروزی نهایی را بدنبال داشته باشد».

گرانی، معضل بزرگ زندگی توده‌هاست

با تسریع و اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی و ایجاد شبکه دولتی و تعاونی توزیع میتوان این معضل را حل کرد

بازرگانان بزرگ همچنان سلسله خود را بر شبکه توزیع داخلی حفظ کرده‌اند، هم «مرکز تهیه و توزیع کالا» در دست آنهاست و توزیع ۷۰ درصد کالاهای وارداتی را در اختیار دارند، و هم در شرایط حاضر، واردات صدها قلم کالای مورد نیاز عموم در انحصارشان است. بدینجهت نه تنها قیمت‌ها پایین نمی‌آید، بلکه این بازرگانان عمده و واسطه‌ها، میل خو و به تبع آزمندی خود، بازار مصرف را می‌چرخانند و کنترل خود را بر قیمت‌ها اعمال میکنند. شبکه توزیع بخش خصوصی، که بنا بر سنت از واردکننده، پیکدار و مغازه‌دار تشکیل میشود، کالای وارداتی را چندین دست میگرداند، و تا به دست مصرف‌کننده برسد، پهای کالا چند برابر میشود. واردکنندگان که بازرگانان بزرگ هستند، اغلب به ۲ تا ۳ برابر سود هم قانع نیستند، واسطه‌ها، که در جریان تولید و توزیع فقط نقش افزایش قیمت‌ها را برعهده دارند، گاه به ۳ تا ۴ دست می‌رسند، که هر کدام سودی معادل ۲۵ تا ۳۵ درصد برای خود در نظر میگیرند، و بدینسان مصرف‌کننده، کالای مورد نیاز خود را به بهایی میخرد که چند برابر قیمت اصلی است.

این مصرف‌کننده کیست؟ بطور عمده توده مستضعفی، که کارگر است، درآمد ناچیز ثابتی دارد؛ اگر روستائی است، درآمد صدها هشتاد آنان از ۵۰ هزار تومان در سال متجاوز نیست؛ اگر کارمند عادی دولت است که جز درآمد ماهانه چند هزار تومانی ثابت، یک ستاره هم در آسمان ندارد، و این صعود قیمت‌ها، زندگی این خیل عظیم را چنان به پریشانی کشیده که در کار معاش‌روزانه خود درمانده‌اند، قیمت‌ها نه تنها ماه به ماه و هفته به هفته، بلکه گاه روز بروز و ساعت بساعت در حال ترقی است، و مردم تکران و مشوش که چه باید کرد؟

اقدام دولت در سه‌په‌بندی ۶۰۰ قلم کالا، اقدامی است درست و بسود آفتاب زحمتکش. ولی توقع این بود که این اقدام سرعت به سایر کالاهای مورد نیاز عموم تسری یابد، زیرا در شرایط حاضر، اگرچه مردم محروم، قند و شکر و روغن نباتی را به بهای دولتی دریافت میکنند، ولی قدرت خرید گروشت کیلویی ۴۵ تا ۶۵ تومان، مرغ کیلویی ۲۴ تومان، حبوبات کیلویی ۲۰ تومان و پنیر کیلویی ۲۰ تا ۳۲ تومان را ندارند و نتیجه آن میشود که نتوانند معاش روزانه خود را سر و سامان ببخشند. صرفنظر از مواد غذایی، سایر کالاها نیز بنحو تعجب‌آوری گران است. همیشه عمومی تنهاخوراک نیست که بسیاری از اقلام آن همچنان گران عرضه میشود، بلکه پوشاک هم هست، لوازم خانه هم هست، وسایل تحصیل فرزندان خانواده هم هست. وقتی بخاری ۲۰۰ تومانی به بهای ۲۰۰ تومان به فروش میرسد و برای یک دترچه چند برگی باید ۶۰۰ تومان پول پرداخت و بهای قماش و پوشاک دوخته، سر بفلک زده است، میتوان حال و روز یک خانواده زحمتکش ۶۰ نفری را دریافت.

نخستین و مهمترین اقدام برای جلوگیری از گرانی، چنانکه بارها نوشته‌ایم، ملی کردن بازرگانی خارجی و کوتاه کردن دست بخش خصوصی از این عرصه غارتگری است. رویدادهای انقلاب، دشواریهای بعد از پیروزی در بخش صنایع و کشاورزی و سپس جنگ تحمیلی ما را ناگزیر ساخته است که بخش عظیمی از نیازمندیهای خود را از خارج وارد کنیم. بخش خصوصی، یعنی سرمایه‌داران بزرگی که سرمایه‌های خود را در رشته پرسود بازرگانی بکار انداخته‌اند، در قبال جامعه و هموطنان زحمتکش خود، برای خود قصد و وظیفه‌ای نمی‌شناسند. آنان تنها به سودهای کلان خود می‌اندیشند و این سود هنگفت را با گرانفروشی و احتکار، از جیب کارگر و دهقان و کارمند و پیشه‌ور بیرون میکشند. بازرگانان عمده و سرمایه‌داران وابسته بدرستی عرصه بازرگانی را چنان پرسود یافته‌اند، که در سال ۵۹، تعداد کارت‌های بازرگانی به چند برابر رسیده است و سرمایه‌هایی که قبلاً رو بسه سوی زمین‌خواری و ساختمان داشت، زمانی که این بازار را بی رونق دید، به عرصه بازرگانی هجوم آورد. متأسفانه تملک و تسامح در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی کردن بازرگانی خارجی، به این قشر انگل و متخنواره فرصت داده است تا سرمایه‌های خود را در این دو سال پس از انقلاب بحساب زحمتکشان چندین برابر کنند. نه تنها تجربه دوساله پس از انقلاب، بلکه تجارب ۵۰ ساله

امام خمینی... یقیه از صفحه ۱

نیرهای انقلاب در نبرد شدند و از تمام نیروهای رزمنده انقلاب در جبهه‌ها تقدیر کردند.

در بخشی از این پیام آمده است: «خبر پیروزی چشمگیر قوای مسلح اسلام با هماهنگی بین جمیع رزمندگان عزیز مورد تقدیر و تشکر گردید. سلام و تقدیر اینجانب را به فرماندهان محترم و سران عزیز و سربازان و پاسداران معظم اسلام ابلاغ نمائید. انتظار دارم که با پشتکار و هماهنگی و انسجام همه رزمندگان محبوب

قبل از انقلاب نشان میدهد که عملکرد بخش خصوصی در تجارت خارجی جز غارت و چپاول و اندوختن ثروت به زبان جامعه نبوده است. بنابراین هر روز که در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی تأخیر شود، فرصتی است برای این غارتگران تا بحساب فقر مردمی که تمام حیات و هستی خود را براه انقلاب گذارده‌اند، مال‌اندوختی کنند. صرفنظر از ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی نیز اقدام مکمل و لازمی است در جهت قطع دست بازرگانان بزرگ، محترمان و واسطه‌ها از معیشت عمومی. اگر بازرگانی خارجی در دست دولت قرار گیرد، ولی توزیع کالا در دست تجار بزرگ و واسطه‌ها بماند، این قشر غارتگر نیز بازار را در دست خواهد گرفت و گرانی و کمبود مصنوعی بوجود خواهد آورد. با آنکه ایجاد نظام توزیع دولتی و تعاونی در اساس جزء لاینفک ملی کردن بازرگانی خارجی نیست، ولی چنان با آن آمیخته است که اولی بدون دومی اثرات مفیدی را در اقتصاد کشور از دست خواهد داد.

توجه مجلس شورای اسلامی به ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی و وظیفه‌ای که در برابر دولت قرار گرفته است، میسر این معناست که در زمانی نزدیک این مشکل به فرجام رسد. ولی هم‌اکنون نیز دولت موظف به اقدامات کوتاهمدتی است که نه تنها جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد، بلکه آنرا تقلیل دهد. در این زمینه دولت وظیفه دارد که شبکه‌های خرابکاری محترمان و گرانفروشان را سرعت کشف کند و آنانرا بعنوان عناصر ضدانقلابی به کیفر برساند. اگر سرمایه چند سرمایه‌دار و محتر بزرگ بلافاصله از سوی دادگاههای انقلاب مصادره شود، این اثر را خواهد داشت که سایر محترمان و بازرگانان عمده حداقل ترکانزی نکنند. اقدام دیگر دولت باید در جهت گسترش فروشگاههای دولتی و شبکه تعاونیهای توزیع باشد، تا زحمتکشان کالاهای ضرور خود را به بهای عادلانه از این طریق تهیه کنند. ایجاد شبکه تعاونی‌های خرید، محصول از دهقانان نیز موجب خواهد شد که از خرید محصولات دهقانان بوسیله واسطه‌ها جلوگیری شود، هم دهقانان زحمتکش دسترنج خود را به تن‌بخش نفروشدند و هم کالاهای کشاورزی با قیمت مناسب در دسترس مصرف‌کننده شهری قرار گیرد.

نظارت دولت بر تولید صنایع داخلی از دیگر اقداماتی است که میتواند در تقلیل و تثبیت قیمت‌ها موثر افتد. اکنون که ۷۰ درصد صنایع از شمول بخش خصوصی خارج و به مالکیت دولت درآمده است، نظارت دولتی بر تولید صدها ۲۰ باقیمانده کار چنداندوختاری نیست. میتوان با محاسبه بهای تمام شده و سود فروش، کالا را قیمت‌گذاری کرد و به بازار فرستاد و تخلف از بهای دولتی را، از سوی هر کس و هر مقامی که انجام شود، بشدت مورد مجازات قرار داد. گرانی به معضل بزرگ زندگی توده بدل شده است. باید در کوتاهترین زمان در حل آن کوشید.

پیام سازمان جوانان توده ایران به «اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا» به مناسبت:

دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا

در ۷ ژانویه ۱۹۸۱ (۱۷ دی ۱۳۵۹) مردم کامپوچیا دومین سالگرد پیروزی بر رژیم جنایتکار پوپلت - نیکساری را گرامی می‌دارند. بدین مناسبت سازمان جوانان توده ایران پیامی خطاب به «اتحادیه جوانان برای نجات کامپوچیا» ارسال داشت. متن این پیام چنین است:

رفقای گرامی! سازمان جوانان توده ایران، دومین سالگرد پیروزی مردم و جوانان کامپوچیا بر رژیم جنایتکار و دست‌نشانده پل‌تسینگساری را صمیمانه تبریک می‌گوید.

رژیم پل‌تسینگساری، که از سوی رهبری مائوئیستی و توسعه‌طلب پکن حمایت می‌شد، در دوران حکومت خود بزرگترین فباج را علیه خلق کامپوچیا مرتکب شد و میلیونها جوان کامپوچیایی را به قتل رسانید و مدارس و دانشگاه‌ها را به‌طورانه میل ساخت. مردم و جوانان قهرمان کامپوچیا علیه این رژیم جنایتکار و دمنش بپا خاستند، با قیام پیروزمند خود آن را سرنگون کردند و حاکمیت واقعی زحمتکشان را بر کامپوچیا مستقر ساختند.

ولی رژیم توسعه‌طلب چین و مزدوران آن، از توطئه علیه مردم کامپوچیا دست برنداشتند و به تحریک و تجاوز علیه کامپوچیایی انقلابی ادامه می‌دهند. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، نیز به انحاء گوناگون می‌کوشد تا مبارزه عادلانه مردم و جوانان کامپوچیا به خاطر ساختمان کومپوچیایی نوین را تخطئه کند و وقیحانه - در کنار مائوئیست‌های پکن - از دارودسته جنایتکار پل‌تسینگساری حمایت می‌کند. رفقای گرامی!

مردم و جوانان ایران، اکنون حساسترین لحظات تاریخ کهنسال خویش را می‌گذرانند. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران در بهمن ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی، یکی از نیرومندترین پایگاه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را سرنگون ساخت و مرحله‌ای نوین از حیات مردم و جوانان ایران آغاز گردید. امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکرد. محاصره اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، خرابکاری در موسسات صنعتی، تحریک و آشوب‌گری در نواحی مرزی، اقدامات تروریستی، تدارک کودتای نظامی و تجاوز آشکار نظامی، از جمله شیوه‌هایی هستند که امپریالیسم آمریکا به یاری دیگر کشورهای امپریالیستی و ارتجاع منقله علیه انقلاب ایران به کار برده است.

امپریالیسم آمریکا در ادامه توطئه‌های خود، رژیم جنایتکار صدام را به تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک نموده و اکنون ماه‌هاست که ارتش تجاوزگر صدام، با حمایت ارتجاع منطقه و امپریالیسم، جنگ تجاوزکارانه علیه ایران انقلابی را آغاز کرده است. در چنین شرایطی، مردم و جوانان ایران عزم راسخ دارند که مبارزه عادلانه خود علیه تجاوز امپریالیسم و ارتجاع منطقه را تا پیروزی نهایی ادامه دهند.

سازمان جوانان توده ایران در دومین سالگرد پیروزی خلق کامپوچیا، حمایت و همبستگی قاطع خود را با مبارزه عادلانه آنان به خاطر ساختمان کامپوچیایی نو اعلام می‌دارد و توطئه‌های امپریالیسم و رهبری مائوئیستی پکن را علیه کامپوچیایی انقلابی محکوم می‌کند. زنده باد همبستگی بین‌المللی جوانان علیه امپریالیسم، توسعه‌طلبی و ارتجاع!

با درودهای فراوان سازمان جوانان توده ایران ۵۹۱۰۱۶

سرچشمه اشتباهات

حال ببینیم که علت اعتصابات و ناآرامی‌های لهستان چیست؟ واقعیت اینست که، تنها یک علت وجود ندارد. هر یک از علل این رویدادها بخودی خود نمی‌توانست به انفجار بیانجامد. آنچه که این انفجار را برانگیخت ترکیب - و یا همگرایی - عوامل گوناگون بود. این عوامل بیشتر خانگی است، اما باره‌ای از انگیزه‌های خارجی را نیز سبب نباید از یاد برد. گرچه مسلم است که سربوهای ضدانقلاب خارجی هم در این جریان دست داشته‌اند، ولی عوامل داخلی دارای نقش عمده بوده است.

کاستی‌ها و اشتباهات محصول سونیت نیست. در واقع، اشتباهات رهبری لهستان از کمال حسن‌نیت سرچشمه می‌گیرد. حالب است که این کاستی‌ها در باره‌ای از دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز در گذشته دیده شده است.

نیت رهبری لهستان این بوده و هست که هرچه سریع‌تر اقتصاد و صنعتی مدرن را پایه‌گذارد و از این راه در راه افزایش سطح زندگی و رفاه همگان کام سردارد. چنین نیتی نه تنها سوء نیست، بلکه ستایش‌انگیز است. در واقع، والاترین هدف و آماج غایی هر جامعه سوسیالیستی و حزب کمونیست هم همین است.

از سوی دیگر، چنین هدف، سیاست و عملکردی نباید کوشش کند که از روی مراحل واقعیت بجهد و آنچه را که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی واقع‌بینانه و ممکن نمی‌نماید، نادیده بگذارد. مهم نیست که نیت تا چه اندازه خیراندیشانه بوده‌است، وقتی که پیش‌برد آنها به بی‌سبب‌ی و عدم توازن بیانجامد.

هنگامی که عوامل ذهنی بر واقعیات عینی غالب شوند، پیامدی جز عدم توازن نخواهند داشت. روش غیرواقع‌بینانه در لهستان سبب شد که میان خواست‌های شتابان و توقعات فزاینده کارگران و مردم و توانایی‌های کنجایش تولیدی جامعه برای برآوردن آنها، عدم توازن پدید آید. در نتیجه میان برنامه‌ها، طرح‌ها و تصمیمات اقتصادی و توانایی اقتصاد برای پیسرد آنها شکاف ایجاد شد.

میان تسریع رشد اقتصادی و نو سازی لجام گسیخته صنعتی از یکسو، و منابع و وجوه و توانایی پایه اقتصادی علمی و تکنولوژیک لازم برای پیشبرد این امر از سوی دیگر، عدم توازن پدیدار گردید. حال ببینیم شکل مشخص این عدم توازن در لهستان چگونه بود؟

بویژه پس از ۱۹۷۰، رهبری لهستان کوشش فوق‌العاده‌ای برای تسریع روند صنعتی‌کردن کشور به عمل آورد. این کوشش به‌طور عمده برپایه وام‌های خارجی استوار بود. بهره‌های وام‌هایی که از اتحاد شوروی دریافت می‌شود، بسیار نازل است، در حالی که وام‌هایی که از بانک‌های ایالات متحده، آلمان غربی، بریتانیای کبیر و فرانسه وصول می‌گردد، کوتاه مدت و همراه با بهره‌ای بس هنگفت‌تر است.

مجموع دیون لهستان به کشورهای سرمایه‌داری بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار می‌شود، که بهره سالانه آن ۲ میلیارد دلار بود است. لهستان بیش از یک سوم درآمد صادراتی خود را صرف پرداخت وام‌های گذشته می‌کند. برای اینکه بدانیم بانک‌های سرمایه‌داری به این وام‌ها چگونه می‌نگریستند و از آنها چگونه بهره می‌جستند، بگذارید بخشی از یکی از مقالات جندی پیش "نیویورک تایمز" را برایتان نقل کنم:

"سال گذشته، دولت لهستان در اقدامی فراگیر موافقت کرد که به بانک‌های غربی اطلاعات اقتصادی بیشتر و سریع‌تری بدهد. همچنین قرار شد که برای افزایش اعتماد (این بانک‌ها نسبت به لهستان) جریان پول به آن کشور ادامه یابد

از: گس‌ها، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

سرانجام سوسیالیسم است



لهستان تأثیر منفی گذارد. همه این عوامل، با همگرایی خود، به بحران لهستان منجر شدند.

تشویق مادی و ایدئولوژی سوسیالیستی

تحولات نامبرده نتوبه خودبه خود پدیدایش مسائل ناراحت‌کننده دیگری انجامید، که رهبری حزب متحدکارگری لهستان اکنون به بررسی آن‌ها ماسفول

شرایط عدم توازن، مدت‌زایدی به‌روند عادی و فعالیت کارآی خود ادامه دهد. میان دستمزد و تولید، وام و تولید باید توازن برقرار باشد. بین تقاضای مصرف‌کننده و عرضه کالاها نمی‌تواند سکاف بوجود آید. باید میان صندوق انباشت، یعنی صندوقی که به پرداخت دیون، گسترش و نو-سازی صنعتی، ایجاد مویسات جدید و ذخیره لازم، تخصیص داده میشود از نیکو، و صندوق مصرف، یعنی منابعی که برای تأمین نیازهای مادی و فرهنگی مردم ضرور است از سوی دیگر، توازن وجود داشته باشد.

به سخن دیگر، باید، بر راه ارزیابی واقع‌بینانه و عینی، راهی یافت که هدف بهبود سطح زندگی امروز را با هدف‌های آینده تلفیق بخشد. لارمس که نیازهای مادی و فرهنگی مردم را، نه تنها در سال مالی جاری، بلکه همچنین در سال‌های آینده برآورده ساخت. بدین ترتیب، در سوسیالیسم، مهم‌ترین هدف تولید اجتماعی باید با وسائل موجود برای پیسرد آن، وحدتی از کانونیک داشته باشد. باید سوسه مراقب بود که عوامل ذهنی به شرایط عینی اقتصاد، یعنی شرایطی که مستقل از اراده، انسانی وجود دارد، اولویت نیابد. برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی باید بر پایه تحلیل عینی روندها، گرایش‌ها و امکانات رسد و توسعه استوار باشد.

در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۰، سرمایه‌گذاری لهستان در کارخانه‌ها و ماشین‌آلات دو برابر و نیم شد. اکنون کاملاً مسلم گردیده است که چنین آهنگ سریع توسعه، پاسخگوی واقعیات و امکانات و توان راستین لهستان نبوده است.

یکی از تدابیری که دولت لهستان برای بهبود وضع اندیشید، قطع کمک هزینه‌ای بود که دولت به تولیدکنندگان گوشت می‌پرداخت. این باعث شد که قیمت مصرفی بالا رود و به یکی از عوامل تحریک اعتصاب تبدیل گردد.

در حالی که در مدت ده سال، دستمزد کارگران لهستان ۱۰۹ درصد بالا رفت، بارآوری کار آنها تنها ۵۸ درصد افزایش یافت. گرچه افزایش بارآوری به میزان ۵۸ درصد به راستی درخشان بود، لیکن نمی‌توانست افزایش دستمزدها را به مقدار ۱۰۹ درصد تأمین و توجیه‌کند. از سوی دیگر، افزایش دستمزدها از افزایش عرضه کالاها در بازار پیشی گرفته بود. البته، در این زمینه نیز حسن-نیت انگیزنده تصمیم‌گیری بود.

هدف از افزایش دستمزدها انگیزش مادی بوده است. جامعه سوسیالیستی به ترکیب مناسبی از تشویق مادی و معنوی نیاز فراوان دارد. با تحول شخصیت سوسیالیستی، تشویق معنوی اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد.

توازن میان عوامل عینی و ذهنی

اگر به سو رسیده است که اقتصاد سوسیالیستی می‌تواند در چسب

ساختار قدرت و دستگاه حکومت باشند. این است روند گسترش پایگاه توده‌ای د مکرسی سوسیالیستی. چنین می‌نماید که در این گستره کاستی‌های در لهستان بوده است. هنگامی که بر روی انگیزش مادی بیش از اندازه تصریح شود و در مبارزه ایدئولوژیک غفلت پیش آید، حیزی جر واس ماندگی آگاهی سوسیالیستی نمی‌توان انتظار داشت.

مردم باید درک کامل و عمیق از دشواری‌ها و مسائل و چگونگی پیدایش آن‌ها داشته باشند. آنها باید مرزهای مراحل مختلف تحول را سناستند. مردم تنها در چنین شرایطی حاضرند که با جان و دل در راه یافتن راه حل کوتا باشند.

تحول شخصیت سوسیالیستی، که مبتنی بر آگاهی سوسیالیستی است، تنها در صورت پیکار بیکر، مصرانه و بی‌امان صورت می‌گیرد. البته شیوه زندگی سوسیالیستی و آگاهی سوسیالیستی یکسبه شکل نمی‌گیرد. اعمال شیوه جدید زندگی و طرز فکر جدید، بیگاری بیجده و دبراراعلیه عادات و سنن قدیم و طرز فکر موروثی گذشته ایجاد می‌کند.

جامعه نو-نظام اجتماعی-اقتصادی جدید، که بر اساس مالکیت همگانی و مناسبات اجتماعی ناشی از آن استوار است و تضاد آشتی‌ناپذیر میان طبقات مخالف را از میان می‌برد - پایه عینی آگاهی سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. این نظام پیدایش



گس‌ها (دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا) و آنجلادویوس (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا)

اندیشه‌های نو و مناسبات جدید سوسیالیستی را برمی‌انگیزد.

سوسیالیسم بر خورد‌های نوینی را درباره کار، اندیشه‌ها و هدف‌های اخلاقی بی‌می‌ریزد. لیکن این بدیده تنها در پرتو نرسدیکیر همه جانیه تحول می‌یابد.

این واقعیت که در حدود ۷۰ درصد کشاورزی لهستان هنوز خصوصی است، نه تنها تولید کشاورزی را محدود می‌کند، بلکه همچنین سدی است در راه تحول شخصیت سوسیالیستی.

بدیهی است که انگیزش مادی، بدون مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، مانع عظیمی است در راه گذار به کشاورزی تعاونی و دولتی، که تنها راه نوسازی کشاورزی سوسیالیستی در مقیاس بزرگ را تشکیل می‌دهد. غفلت در گستره ایدئولوژیک خلاصی پدید می‌آورد که بلافاصله ایدئولوژی‌های دیگر را به برکردن آن تشویق و زمین را برای نوعانصر ضد سوسیالیستی آماده می‌کند.

در لهستان، کلیسای کاتولیک نه تنها نیروی مذهبی، بلکه همچنین نیروی ایدئولوژیک است. بدون مبارزه‌ای آگاهانه نمی‌توان با نفوذ ایدئولوژیک کلیسا به مقابله برخاست. این بیان که حزب، در لهستان باید پارذیکر در راه برقراری مناسبات اعتمادآمیز میان مردم و حزب متحد کارگری لهستان بکوسد، انتقادی است بسجدی، که حزب برادر در لهستان از خود کرده‌است. البته باید این سؤال مهم را مطرح ساخت که: اصلا چرا مردم اعتماد

است. مسائل نامبرده از جمله تکیه بیش از اندازه به تشویق مادی و خود سویی ایدئولوژیک را در بر می‌گیرد.

درست است که سیستم اقتصادی سوسیالیسم پایه مادی طرز فکر مردم را می‌آفریند. ولی تفکر سوسیالیستی نمی‌تواند خودبویا یابد. از سوی دیگر، واضح است که ایدئولوژی، و یا در اینجا آگاهی سوسیالیستی، همواره از تحولات اقتصادی و اس می‌ماند.

در دوران ساختمان سوسیالیسم، تشویق مادی ضرورتاً نقشی بس مهم بازی می‌کند. لیکن این عامل نمی‌تواند و نباید جایگزین آموزش پایدار و بیکر و مبارزه در صحنه‌های سیاسی و ایدئولوژیک زندگی شود. همچنین کافی نیست که به غرور ملی متوسل شد.

تجربه عصت سالد ساختمان سوسیالیسم راستین نشان می‌دهد که پایه‌های روند پی‌ریزی ساختار اقتصادی سوسیالیسم، روندهای دیگری نیز ضرورت دارد. یکی از مهم‌ترین این روندها لزوم مبارزه بیکر برای جلب هرچه بیشتر مردم به شرکت در برنامه‌ریزی، مدیریت و بوبره در تصمیم‌گیری است.

برای پیسرد این هدف، باید نقش و مسئولیت سازمان‌های توده‌ای از جمله و بویزه سندیکا‌های کارگری، را گسترش بخشید. مردم باید هرچه بیشتر در روند یافتن راه حل برای همه مسائل زندگی شرکت داده‌سود. نه تنها لازمت با مردم بحسب، مشورت و تبادل نظر کرد، بلکه آن‌ها را باید در روند تصمیم‌گیری معنوان شریک و جزئی گسست‌ناپذیر بحساب آورد. مردم باید همچنین بخشی از

کارگران و کارکنان سینماهای تهران هم آمادگی خود را برای شرکت در خط مقدم جبهه اعلام می دارند

هستند، ولی از تعداد شهدا خبری ندارم. یک کارگر هم بنام عبدالله، که در سینما فلسطین کار میکرد، الان در جبهه است. عباس افروزمس ادامه می دهد: "کارکنان سینماها هم به اندازه امکانات خود کمک هایی به جنگ زدگان کرده اند. بنظر من سندی که باید اعلام می شد، انتشار بدهد و در آن از کارکنان و اعضاء خود بخواند که در دوره آموزشهای نظامی و کچه های اولیه شرکت کنند و در ارتباط با سازمان بسیج مستضعفین امکانات لازم را فراهم آورند."

عباس افروزمس در حالیکه صدایش از نصیم راسخ، عرم قاطع و سوراقلابی او حکایت می کند، می افزاید: "تقاطع کامل دست امریالیسم آمریکایی ایران، یک لحظه هم نباید درنگ کرد و در این راه هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد."

آری، زحمتکشان کشور ما، این توده های با حاسته ای که طبق گفته امام خمینی، انقلاب متعلق به آن هاست، با هیچ گونه سازی، سازگاری ندارند و قاطعیت را از زندگی بر رنج خویش و از رهبران انقلاب آموخته اند:

"هر چه سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شد. مدیر سینما کریستال می گوید:

"کارکنان این سینما و صاحب آن تا به حال مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ (دویست هزار ریال) به جنگ زدگان کمک کرده اند و از طرف اتحادیه سینما داران نیز کمک هایی صورت گرفته است و رقم کمک اتحادیه مزبور به جنگ زدگان ۵۱۸۰۰۰۰ (پنج میلیون و صد و هشتاد هزار) ریال بوده است. همچنین کارکنان سینما مولین روز نیز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ (صد هزار) ریال کمک فرستاده اند."

به کارکنان سینما و همه زحمتکشان کشورمان درود می فرستیم و به امید پیروزی قطعی و نهایی بر امریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به مبارزه ادامه می دهیم.

بروز جنگ می گوید: "این جنگ، یک جنگ تحمیلی است. این جنگ را آمریکا بر ما ریزی کرده است. انتقادی که در این جنگ به رهبران کشور، غیر از امام، دارم این است که چرا در این شرایط بسیار سخت و دشوار، و در اندک زمانی حمله به عراق، به همدیگر حمله می کنند و با سرنوشته ۲۵ میلیون نفری می کنند. یکی از کارکنان این کارخانه، که دو سال است در این کارخانه کار میکند و درآمد ۲۲۰۰ تومان حقوق می گیرد، در مورد جنگ می گوید:

"مدام حسین نوکر آمریکا شده و به ما حمله کرده است، و آمریکا برای همین مدام به ما سلاح می دهد، اگر مردم دولتی ها با هم متحد می شدند، ما می توانیم عراق را شکست دهیم، ماهمه حاضر به جنگیم." یکی از کارکنان زن این کارخانه، که ۵ سال سن دارد و دو سال است در این کارخانه کار می کند و کارش بسته بندی داروهاست، در مورد جنگ تحمیلی می گوید:

"عراق خودش به تنهایی نمی توانست این جنگ را راه بیاندازد. در این جنگ اصل آمریکا است. عراق به خاک ما آمده و مدام غیرنظامی ها را می کشد، و حاله می خواهد آتش بس بدهد. با وجود اینکه پسر خودم سرباز است، آتش بس را قبول ندارم. باید عراق شکست بخورد و سرچای خودش برگردد، تا آتش بس برقرار شود."

در حال حاضر ۵ نفر از کارکنان این کارخانه در جبهه های جنگ بسر می برند، تعداد دیگری از کارکنان نیز نسبت نام کرده اند، تا به جنگ بروند. و این نشان می دهد که: کارکنان این کارخانه، به عنوان بخشی از طبقه کارگر قهرمان و رزمنده ایران، در راه انقلاب، چه در عرصه جنگ و چه در عرصه تولید، حاضر به همه گونه فداکاری و جان بازی هستند. بجاست که مسئولین دولتی کارخانه و وزارت کار در رسیدگی به خواست های این کارکنان بیشتر بکوشند و حقوق مسلم و عصب شده شان را به آنها بازگردانند.

می برسیم: شجاع کاری می توانید در این جنگ انجام دهید؟ میگوید: "در این سینما برای مقابله با شرایط اضطراری من و یکی دیگر از کارکنان دوره دفاع غیرنظامی رادیده ایم و برای مقابله با آتش سوزی آموزش دیده ایم، ولی باید این آموزش به همه داده شود."

گذشته از این ما می توانیم در کارهای تبلیغاتی متمرکز باشیم. دولت باید از طریق وزارت فرهنگ و هنر فیلم های ۳۵ میلی متری را جمع کند، جنگ، آموزش جنگ و کچه های اولیه تهیه کند و در اختیار ما بگذارد، که قتل از

عباس افروزمس: «... در این راه، هر سختی هم که ملت متحمل شود، باید بر آمریکا پیروز شود. دولت و وزارت فرهنگ و هنر باید فیلم های تبلیغاتی تهیه و در اختیار ما بگذرانند، ولی در حال حاضر هیچگونه تبلیغاتی صورت نمی گیرد.»
محمد پورتنی: «اکثر کارکنان سینماها را با یک دوره فشرده می توان آسانه اعزام به جبهه کرد.»



آپاراتچی سینما سربیل، با ۲۰ سال سابقه کار و با حقوق ماهیانه ۳۰۰۰ تومان: ادامه انقلاب، تا نابودی امریالیسم آمریکا

میگوید: من دارای شرایطی نیستم که بتوانم در خط اول جبهه شرکت کنم. از این باب است نازاحت و متاسفم، ولی حاضر در پشت جبهه، هر کاری که بسوزد انقلاب باشد، انجام دهم. عباس افروزمس، زحمتکشی که نظری می رسد سابقه کار بیشتر در سینما دارد، نیز با اشتیاق تمام به سوالات ما پاسخ می دهد.

شروع فیلم اصلی به نمایش بگذاریم، ولی در حال حاضر هیچگونه تبلیغاتی صورت نمی گیرد. می برسیم: آیا کسانی را از این صنف می شناسید که سبده یا در جبهه باشند؟ میگوید: در دوران انقلاب یک نفر از کارکنان سینما "نادر"، بر اثر انفجار بمب شهید شد. الان هم تعدادی از کارکنان سینماها در جبهه

کارکنان و مستخدمین زحمتکشان سینماها نیز مثل سایر زحمتکشان کشور، علیرغم تضییقات و مشکلات فراوان صنفی و با وجود عدم تعادل عمیق منفی میان دخل و خرجشان، و بالاخره علیرغم رنج و شکنجه طاقت فرسای ناسی از بیگ زندگی فقیرانه سرا با کمبود، بیچاره شور و درایت هستند، شوری انقلابی و میهن دوستانه شناخت درست از ذات اهریمنی شیطان بزرگ آمریکا، این سرکرده تالان گران و راهزنان پهنه گیتی دارند. این صنف نیز همانند سایر برادران و خواهران میهن دوست خویش، با بیاری انقلابی و با تمام توان در جبهه و پشت جبهه ایستاده اند و به دعوت رهبر آری نایدی انقلاب، با سخمنیت داده اند. و اینک ای صحبت زحمتکشان سینماها: در توضیحات آقای محمد پورتنی، کنترلچی، راجع به وضع سینماهای کارکنان سینماها، نفرت و انزجار عمیق و آگاهانه یک زحمتکشان نسبت به رژیم جنایت پیشه محمد رضای ملعون نهفته است:

"ما قبل از انقلاب هم سندی که داشتیم، ولی مثل سایر سینماهای دوران طاغوت بهلوسی، کاری برایمان انجام نمیداد. ولی بحمدالله بعد از انقلاب، علاوه بر اینکه در مورد افزایش حقوقمان، اقدامات موثری انجام داده است، ماهیانه مبلغ ۴۸۰۰ ریال حق مسکن برای افراد متاهل و ۲۸۰۰ ریال برای افراد مجرد در نظر گرفته است و خواهر و برادر حق عائله مندی هم به ما میدهد."

وی به سوال مادر مورد آماج مادگی کارکنان سینماها برای شرکت در جنگ، چنین پاسخ می دهد:

"اکثر کارکنان سینماها خدمت وظیفه عمومی را انجام داده اند و بویک آموزش کوتاه مدت و فشرده می توان امکان اعزام آنها به جبهه جنگ را فراهم آورد، ولی تاکنون هیچگونه اقدامی در این مورد انجام نشده، چه از طرف سندی که از طرف ستاد بسیج مستضعفین، نامبرده اضافه می کند: "بعضی از کارکنان سینماها وحتى بعضی از

کارگران کارخانه داروسازی پر لیمید:

ما همه حاضر به جنگیم!

این جنگ را آمریکا بر ما ریزی کرده است

کارخانه های دیگر است. تماس همیشگی کارگران این کارخانه با بعضی مواد دارویی برای آنها خطرناک است و برای آنها ضرر دارد. در بعضی کارخانه های دیگر دارو سازی به علت این امراض فله حقوق بیشتری به کارکنان می دهند، ولی در این کارخانه، این کار انجام نمی شود. با این حال، با وجود اینکه این اواخر، به علت کمبود برق، اضافه کاریها قطع شده و درآمد کارکنان نسبت به قبل کمتر شده است، ما زیاده روی اضافه حقوقی را فشاری نمی کنیم و حاضریم فداقدا کار می بکنیم، چون حالاکشورمان در جنگ است.

(۳) بساک سازی عواملی که در ارتباط با هیئت مدیره آلمانی قبلی بوده اند و اکنون شتاب زده اند و در کارخانه کارشکنی می کنند. ما برای عملی شدن این خواستها با هیئت مدیره کارخانه جلساتی داشته ایم و آنها قول داده اند که به این خواست ها رسیدگی کنند."

نماینده کارکنان در مورد کارهایی که در ارتباط با جنگ در کارخانه انجام شده، می گوید: "از طرف این کارخانه تاکنون مقداری دارو به هلال حضور کمیته داد امام داده شده است، خود کارکنان هم برای جنگ مقداری پول جمع کردند. چندی قبل هم از سپاه پاسداران خواستیم که بیایند و کارکنان را آموزش نظامی بدهند. آنها هم آمدند و در مدت دو هفته سی نفر را آموزش نظامی دادند. ما باز هم از آنها خواستیم که بیایند و تعداد بیشتری از کارکنان را آموزش دهند." نماینده کارکنان در مورد چگونگی

تاخیر در پیروازها، میزان ذخیره مواد اولیه مان روبه کاهش می رود، به این علت ممکن است در آینده تولیدمان کاهش یابد. بجاست که مسئولین دولتی به ورود مواد اولیه دارویی با توجه به نیاز شدید کشور در شرایط کنونی، نسبت به واردات دیگر اولویت بیشتری بدهند. علاوه بر این، باید با کمک های کشور نیز در مورد باز کردن اعتبارها با همکاری بیشتری بکنند."

برای آگاهی از وضع کارکنان این کارخانه با نماینده کارکنان به گفتگو نشستیم: "در این کارخانه متاسفانه هنوز سندیکا و یا شورا تشکیل نشده است، ولی کارکنان در صدد هستند که با توجه به لایحه قانونی شوراها، شورای خود را تشکیل بدهند."

نماینده کارکنان در مورد مشکلات کارکنان کارخانه میگوید: "ما قبلا با هیئت مدیره آلمانی کارخانه بر سر میزان حقوق، اضافه کاری و خواستهای دیگر، مثل ایجاد مهدکودک و زمین ورزش درگیریهایی زیادی داشتیم، ولی کار زیادی نمی توانستیم بکنیم، تا اینکه تیسرماه گذشته، برای این کارخانه هیئت مدیره دولتی تشکیل شد و مقداری از خواستهایمان برآورده شد، ولی هنوز خواستهای ما عملی نشده است. مثل: (۱) ایجاد مهدکودک و زمین ورزش، با توجه به اینکه در این کارخانه در حدود ۵۰ کارگزار وجود دارند، که بیشترشان بچه دارند. (۲) تسهیلات کاری و اضافه حقوق بیشتر نسبت به کارخانه های دیگر کشور، زیرا ما کارمان مشکل تر از کارکنان

کارخانه داروسازی پر لیمید ایران (تهران) دارای ۱۵۰ کارگر و کارمند است، که از ساعت ۷ صبح تا ۴ بعد از ظهر در این کارخانه کار می کنند. تا تیرماه گذشته، این کارخانه در اختیار شرکت شرینگ آلمان فدرال بود و تحت نظریک هیئت مدیره آلمانی اداره می شد. ولی در تیرماه گذشته از طرف وزارت بهداری و وزارت صنایع و معادن یک هیئت مدیره دولتی برای این کارخانه تعیین شد. کارخانه هنوز مصادره و یا ملی نشده است و از نظر مالکیت بلاتکلیف است.

مزار است که در مجلس شورای اسلامی در مورد وضع مالکیت کل کارخانه های داروسازی کشور، که در حدود ۱۵ شرکت هستند، لایحه ای تصویب شود و وضع مالکیت آنها رو سی شود.

مواد اولیه کارخانه های داروسازی کشور، و از جمله این کارخانه، از خارج وارد می شود، زیرا از لحاظ صنعت داروسازی هنوز کشور خودکفا و مستقل نیست، ولی در مورد قطع وابستگی این صنعت به کشورهای امریالیستی، تا کنون اقداماتی صورت گرفته است، یکی از اعضای هیئت مدیره این کارخانه در این مورد می گوید:

"مواد اولیه این کارخانه را قبلا از شرکت شرینگ، که یک شرکت بزرگ و چند ملیتی بود، می خریدیم، ولی چون این شرکت مواد اولیه را به ما بسیار گران می فروخت، منابع دیگری را در کشورهای سوئیس و ایتالیا و کشورهای سوسیالیستی برای خرید شناسایی کردیم و اکنون ما قسمت اعظم مواد اولیه مورد نیازمان را از این منابع و بسیار ارزانتر می خریم."

وی در مورد میزان تولید کارخانه پس از انقلاب میگوید: "در این کارخانه، پس از انقلاب، با همکاری کارکنان تولید افزایش یافته است، در شرایط کنونی هم میزان تولید داروهای را که به علت جنگ مصرفشان افزایش یافته و ما می توانیم آنها را تولید کنیم، افزایش داده ایم. با این حال، با شروع جنگ به علت

داراب: اقدامات مفید هیئت ۷ نفری باید قاطعانه ادامه یابد

جمله اقدام کارشکنانه ترتیب دادن راهپیمایی روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱، باعث شد که بطور موقت هیئت ۷ نفری کار انقلابی و مردمی واگذاری زمین را در منطقه داراب تعطیل کند، با توجه به موقعیت کشور و ضرورت ادامه واگذاری اراضی، بخصوص در مورد بعضی اراضی، که بر سر آن اختلافاتی وجود دارد و رفع اختلافات فقط از عهده هیئت ۷ نفری بر می آید، و با توجه به دستگیری عده ای از زمینگیران و انقلابی را بیمانی اخیر، هیئت ۷ نفری در چه زودتر باید ادامه کار را شروع کند، در اینجا حتی مانع بندج هم وجود ندارد و عمل قاطع و سریع هیئت هفت نفری، اقدامی خواهد بود بسود انقلاب و برای ریشه کنی مراکز فساد و اخلال ضد انقلابی، اقدامی خواهد بود بسود دهقانان و عساکر زحمتکش.

کارواگذاری برای عده اخیر را نیز شروع کرده و به آنها گفته بود: در صورتیکه قول بدهید ساکن شوید و روی زمینها کار بکنید و این زمینها معطل نماند، زمین بشما واگذار میشود. در غیر این صورت، این زمینها به کسانی داده میشود که روی آن کار کنند. این بیان مختصری است از کار بسیار مفید هیئت در این منطقه عساکری. زمینهای وسیع و قابل کشت منطقه گزطوپله، که بصورت منابع طبیعی و در مالکیت دولت است، مثل بسیاری از اراضی مشابه دیگر در منطقه داراب، از طرف هیئت ۷ نفری به اهالی منطقه واگذار شده و با در حال واگذار شدن بود. مناسبانه کارشکنیهای بیابانی، که در کار این هیئتند، و از

گزطوپله منطقه ایست عشا یر نشین، که در یکصد کیلومتری جنوب شرق داراب واقع شده است. وسعت این منطقه هزاران هکتار است، که در قسمت وسیعی از آن سفره آب زیرزمینی آن شور شده است، ولی در عین حال دارای بیش از هزار هکتار زمین مسطح و شیرین و قابل کشت است، که از سفره آب زیرزمینی مناسبی برخوردار است. در حال حاضر حدود ۳۰۰ خانوار در آن منطقه ساکن هستند، که حدود ۱۵ سال است ساکن یافته اند. حدود ۱۰۰ خانوار دیگر از همین عشا یر در حال آبیاب و ذهاب هستند. محل سکونت آنها را جاده های عشا یری تشکیل می دهد، آنها فاقد خانه های گلی، مدرسه، درمانگاه، آب آشامیدنی، حمام و غیره هستند. آنها می گفتند: "در زمان طاغوت ما حتی از این زمینها برای چرای دام هم نمیتوانستیم استفاده کنیم، بجز مساحت کوچکی از این زمینها، که اهالی میگویند زرخیدمان است و دیدم کاری میکنیم، بقیه اراضی هیچوقت کشت نشده است. بجز دو نفر، بقیه بیسواد هستند."



لایحه قانونی واگذاری اراضی را تمام و کمال و هر چه زودتر اجرا کنیم و ریشه غده سرطانی بزرگ مالکی را برکنیم

هیئت ۷ نفری واگذاری اراضی، همانطور که در مورد بسیاری از اراضی داراب عمل کرده بود، در گزطوپله نیز بیس از ۵۰۰ هکتار از اراضی مرغوب آنجا را به نمایندگی همان هیئت با سواد، به ۳۰ خانوار ساکن آنجا واگذار کرده است، که با حفر ۷ حلقه چاه و استفاده از وام بانک تعاون کشاورزی به کشت و زرع پرداختند. یک حلقه از این چاهها جهت آب آشامیدنی و بهداشت و لوله کشی در نظر گرفته شده است، که پس از شروع کار کشاورزی، برای آنها خانه و مدرسه و دیگر تاسیسات مورد لزوم بهتر ساخته شود. در حال حاضر این چاه حفرو موتور پمپ بر روی آن نصب شده است. درگیری مختصری بین این عده ساکنان و آن عده که آبیاب و ذهاب میکنند، بر سر تصاحب زمینها وجود دارد. هیئت ۷ نفری، بنا به وظیفه انقلابی خود،

هر چه زودتر زمینهای زراعی را در کردستان به دهقانان بدهید

جمهوری اسلامی ایران گردند. البته هیئت های هفت نفری در شهرستان سنندج و بخش دیواندره تشکیل شده اند و مشغول تحقیق درباره زمینهای فئودالها هستند، اما تاکنون دست به اقدام عملی نزده اند. برای نمونه در روستاهای بلبان آباد و امیر آباد و پنیران، واقع در بخش گاورودان منطقه کامیاران، هنوز زمینهای فئودالها دست نخورده باقی مانده است. این روستاها در دست نیروهای انقلاب هستند و از خرابکاری فئودالها و گروهکهای آمریکائی عامل آربابان بدورانند. با بیدار شدن نشان داد که هر جا انقلاب هست، زمین به دهقانان داده میشود. این فئودالها و آربابان و گروهکهای آمریکائی هستند که مانع کار میشوند. مردم انتظار دارند که هیئت های هفت نفری به وضع فئودالها رسیدگی کنند. اخیراً با دی فئودالها اطلاعیه های رسمی را در مورد بند "ج" بهانه قرار داده اند و تبلیغ میکنند که کارواگذاری زمین متوقف شده است و دیگر دهقانان نباید هیچگونه انتظاری از دولت انقلاب داشته باشند. مردم کردستان از مسئولین امور انتظار دارند که با تأکید مجدد بر وجود فعالیت هیئت های هفت نفری و تداوم امر واگذاری زمین، این تبلیغات را خنثی سازند و با عمل مشخص خود، یعنی گرفتن زمینهای فئودالی و واگذاری آنها به دهقانان، پاسخ دندان شکنی بدهند و انقلاب را با بیوسنت قدرتمند و شکست ناپذیر سازند.

کارواگذاری زمین مالکین بزرگ به دهقانان بی زمین و کم زمین یک امر بسیار حیاتی برای انقلاب ایران است. برای این منظور روستاهای کردستان هنوز اقدام جدی در این زمینه بعمل نیامده است. اگر چه این استان بسیار حساس است و بخش فئودالهای ضد انقلابی و آمریکائی زده در اینجا غشاش و درگیری بسیار چشمگیر است. مردم کردستان اطلاع دارند که در شهرستانهای استان کرمانشاها، بخصوص سنقر - کلیائی، هیئت های هفت نفری زمینهای بزرگ مالکان را بصورت مشاع به دهقانان بی زمین و کم زمین واگذار کرده اند. بنا بر این منتظرند که در باره مناطق کردنشین مجاور هم این امر تحقق پیدا کند. هیچ دلیلی ندارد که در دو منطقه مجاور، دوسیاست، یکی بنفع دهقانان زحمتکش و دیگری بسود مالکان غارتگر و توطئه ساز آلت دست آمریکا، اجرا شود. متأسفانه بعطیت نامنی و وجود ضد انقلابیون مسلح، هیئت های ۷ نفری نمیتوانند همه روستاها برونند. اقدام ضد انقلابی خیر فئودالها، که گروهی مرکب از اعضای هیئت ۷ نفری و اعضای جبهه دسازندگی را دستگیر کردند و گروهگان گرفتند. حدت این مسئله را نشان میدهد، اما در مناطقی هم که در اختیار نیروهای انقلاب است، تاکنون در زمینه واگذاری زمین اقدام جدی نشده است. در صورتیکه لازم بوده و هست هر چه زودتر دهقانان با شمارات انقلاب آنها شوند و با کسب زمین، از دل و جان حسامی

روستائیان فخر آباد با وجود مشکلات زیاد، از انقلاب دفاع می کنند

تقسیم کردند و قرار است که چند روز آینده، اسناد رسمی مالکیت زمین را به دهقانان ستمدید ه این روستا بدهند. هیئت هفت نفری همچنین در روستای فخر آباد اقدام به تشکیل شورای ده، که دهقانان کم زمین ویی زمین در آن گرد آمدند، کرد. هیئت ۷ نفری جعفرقلی بزرگ یکی از اعضای شورای پنج نفره روستای فخر آباد است، که از فعالیت هیئت هفت نفری رضایت خاطر داشت. جعفرقلی میگفت که تقسیم زمین بین دهقانان به تنهایی نمیتواند موجب افزایش محصول و بهبود زندگی دهقانان گردد، بلکه دولت باید در حد امکان خود کمکهای لازم مالی و فنی را در امور کشاورزی به دهقانان بکند. کم آبی از مشکلات مهم روستای فخر آباد است. بعقیده جعفرقلی، عضو شورای ده، اگر آب بند محکم بر روی بند آسیاب فخر آباد توسط دولت منطقه همراه است، زده شود،

- ✱ روستائیان فخر آباد از سپاه پاسداران تقاضا کرده اند، تا به آنها آموزش اسلحه بدهد.
- ✱ دهقانان از کار هیئت ۷ نفره راضی اند، اما توقع کمکهای مالی و فنی از دولت دارند.
- ✱ در جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار، صدام از بیدل جان دریغ نمی ورزیم.

روستای فخر آباد در یوانات فارس واقع است. این روستا در گذشته عرصه تاخت و تاز ملاکین بزرگ بوده است. بعد از پیروزی انقلاب بزرگ میهنمان و همچنین شکست سیاست فئودالها و زمینداران بزرگ، که در وزارت کشاورزی دولت موقت لانه کرده بودند، طرح انقلابی اطلاعات ارضی به تصویب شورای انقلاب رسید و، بدنبال آن، هیئت های هفت نفری روانه روستاهای طاغوت زده میهنمان شدند. هیئت هفت نفری از جمله به روستای فخر آباد آمدند و زمین را میان روستائیان

کوک: اجرای قانون اصلاحات ارضی و تامین وسایل کشت، راه رهایی دهقانان تهیدست از فلاکت

تأمین برق، که در فاصله کمی از روستا قرار دارد، به جهاد سازندگی و اداره برق مراجعه کردیم، لیکن تاکنون نتیجه ای نگرفته ایم. آب آشامیدنی هم نداریم. فقط از پس مانده قنات روستای دیگر، که از جوی کثیفی میگذرد، استفاده می کنیم. در شرایط حساس و حیاتی کنونی، چرا باید در نزدیکی تهران، اراضی مزروعی زیادی با بیروکشت شده بمانند؟

هیئت هفت نفری باید هر چه زودتر بوضع این اراضی رسیدگی و آنها را رسماً به دهقانان تهیدست و زحمتکش واگذار کند، و در این حال فواید کار تعاونی را برای روستائیان توضیح دهد و با کمک جهاد سازندگی ترتیب حفر چاه و تأمین آب زراعی و آسایش میدانی مورد نیاز روستائیان را بدهد. تا زمین آب و وسایل کشت، که برای دهقانان زحمتکش، راهی است بسوی تقویت پشت جبهه جنگ و نیز جبهه انقلاب بزرگ ما.

روستای کوک در غرب اتوبان بهشت زهرا به قم قرار دارد. این روستا، که بصورت قلعه ای ساخته شده است، حدود ۳۰ خانوار از مردم محروم را در بر میگیرد. اطراف روستای کوک را زمینهای وسیعی فرا گرفته است، لیکن بحالت فقدان آب، زمینها بی بار مانده اند. بهنگام گفتگو با روستائیان زحمتکش، آنان میگویند: "جهت امر ما را رعی مجبوریم به شهر برویم، تا شکم زن و بچه های خود را با لقمه ای نان بخور و نمیر، که از راه کارگری بدست می آوریم، سیر کنیم. در باره علت بی بار ماندن اراضی اطراف روستا میگویند: آب نداریم. اگر چند حلقه چاه داشتیم، میتوانستیم با کشت این اراضی، هم خود را از این فلاکت نجات دهیم و هم در کار توسعه کشاورزی مملکت سهیم باشیم. روستای کوک فاقد برق و آب آشامیدنی است. روستائیان در این مورد میگویند: "تاکنون چند بار جهت

دهقانان با اطمینان بیشتری به کشت و کار خواهند پرداخت. این کار در برابر بردن میزان محصول نقش بسزائی خواهد داشت. جعفرقلی از اینکه جهاد سازندگی تاکنون به ده سان سری نزده است، گلّه میکند. زیرا این روستا هم مثل بقیه روستاهای میراث تمدن بزرگ! محمدرضای ملعون، فاقد امکانات بهداشتی و درمانی است. روستائیان فخر آباد تاکنون کمکهای زیادی به جبهه جنگ تحمیلی صدام کردند. حدود ۳۰۰۰۰ تومان بول نقد، چند اسگوسفند، حدود صد هزار تومان گمش و گندم و ارگکهای این روستا به جبهه رسیده است. روستائیان فخر آباد برای پیروزی در این جنگ تحمیلی، از بیدل خان خسود نیز دریغ نمیورزند. این روستائیان از سپاه پاسداران تقاضا کرده اند که به آنها آموزش اسلحه بدهد، که متأسفانه تاکنون اقدام لازم بعمل نیامده است. نمونه فخر آباد همانست می کند که فعالیت هیئت های هفت نفری باید قاطعانه ادامه یابد و توسط هیئت ۷ نفری، که کار انقلابی و موثر هیئت ها کمترین صدمه ای نزنند، سودا انقلاب در این است.

آیت الله منتظری: جامعه مسایزمنده به یک انقلاب اقتصادی است. تمام نهادها و ضوابط و روابط فاسد سرمایه داری و استثماری باید از بین برود.

نورالدین
کیانوری
پرسش
و
پاسخ



شورای انقلابی خلق شهرمان ما برای مقابله با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، بزرگترین وثیقه تأمین پیروزی سریع است

ما خود را در نگرانی های آیت الله منتظری و دیگر مقامات مسئول درباره پی آمدهای ناشی از طولانی شدن جنگ شریک می دانیم

چرا حزب توده ایران نظر خود را در باره برخی از شخصیت ها تغییر داده است؟

ولی این که آیت الله منتظری، که مقام و شخصیت در جمهوری اسلامی به طور بارز روشن است، به این شکل به طور خیلی علنی مسئله را به این شکل مطرح می کند برای ما هم به طور جدی نگرانی ایجاد کرده است که واقعا چه سیاستی هست؟ آیا علت واقعا عدم امکان، از لحاظ تجمع نیرو، تمرکز و تدارکات است، سستی و تعلل است و یا این که سیاست های معینی مانع پیروزی است. در هر حال ما معتقد هستیم که به درازا کشیده شدن جنگ بین ایران و عراق، امکانات بیشتری را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار می دهد تا بتواند فشارهای گوناگون دیگری را بر ایران وارد آورد. مثلا این طور که رسانه های گروهی آمریکا خبر می دهند، مشاوران ریگان پیشنهاد کردند که بنادر ایران، از جمله جزیره خارگ، مین گذاری شود. از طرف دیگر کمی دانستیم تحریکات عراق در کردستان افزایش یافته است و ضد انقلاب در بلوچستان هم فعالیت های خود را شدت بخشیده است. بدین ترتیب ارتش مجبور است مقداری از نیروهای مسلح و تدارکاتی خود را در این مناطق نگه دارد، از این جهت است که ما هم در این نگرانی آیت الله منتظری و مقامات دیگر مسئول جمهوری اسلامی شریک هستیم و امیدواریم که در روزها و هفته های آینده این مسائل روشن تر شود و مردم از این نگرانی روزافزون بیرون بیایند.

۲: آیا شما تازه به مبارزه علیه لیبرال ها دست زده اید یا این که آقای مهندس سبحانی اخیرا لیبرال شده است؟ چون آقای مهندس سبحانی جزو کسانی هستند که شما در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی بیه آن ها رای دادید.

ج: ببینید، ما دو مسئله را با هم دیگر به هیچ وجه نباید قاطعی بکنیم. این جا مسئله لیبرال شدن یا جریان تبدیل شدن به لیبرال، هم رنگرزی نیست که امروز کسی را بگیرند و او را توی خمره بیاورد و او را لیبرالی بگرد. موضع گیری های سیاسی ما همان طور که گفتیم، در درجه اول، مربوط است به موقع طبقاتی افراد در جامعه. می گویم در درجه اول و نه به طور مطلق، زیرا این طور نیست که افراد به نسبت ارتباط و وابستگی طبقاتی خود همیشه موضع گیری شان هم مانند طبقه های باشد، که از آن برخاسته اند. برای نمونه ما می دانیم که طبقه بزرگ مالک جزو طبقاتی است که مانند سرمایه داران بزرگ در کشورهای وابسته، استعمار زده و نیمه مستعمره جزو هم دستان امپریالیسم و استعمار جهانی هستند. ولی در میان این مالکین بزرگ وابسته، عناصری هم پیدا می شود که دارای موضع گیری ضد امپریالیستی هستند، مثل دکتر مصدق. در عین حال که فردی از خانواده اشرافی فدسی ایران بود و خود بزرگ مالک محسوب می شد، ولی موضع گیری ضد امپریالیستی بگیرد و قاطع باشد و تا آخر هم در این راه خود صادقانه ایستاد و از این جهت هم هنوز فوق العاده مورد احترام مردم ایران است. این بدیده فقط محدود به ایران نیست. در جنبه های انقلابی جهان همیشه عناصر انقلابی بوده اند که از طبقات ستمگر برمی خاسته اند، ولی به طبقه خود پشت کرده اند و در جهت منافع خلق قدم برداشته اند. عکس آن هم پیدا می شود که افرادی از طبقه کارگر برمی خیزند، که به طور کلی انقلابی است ولی در خدمت دشمنان این طبقه درمی آیند و خود را به آن ها می فروشند. این گونه کارگرهای خودفرخته هم در ایران هستند و هم در کشورهای سرمایه داری پیشرفته.

به این ترتیب، ما به این مسئله این طور برخورد نکنیم که مایه لیبرال رای دادیم چون آن روز ما لیبرال ها موافق بودیم، ولی حالا مخالفیم. مسئله به این شکل نیست. در آن روزی که به عناصری غیر از حزب توده ایران در انتخابات رای دادیم، این امر بر پایه موضع گیری سیاسی آنها به تناسب شناخت آن روز ما از آنها بود و بر اساس سوابقی که آنها داشتند. این که صرفا کسی خود سهمی در کارخانه داشته باشد، حتما به معنای آن نیست که لیبرال باشد. برای این که همان طور که گفتیم خوب، دکتر مصدق می پیدا می شود که آدم خیلی ضد امپریالیستی است، ولی در عین حال مالک بزرگی هم هست. علاوه بر این ما تصمیم خود را همیشه بر پایه شناخت فعلی خود استوار می سازیم. به این ترتیب ممکن است که در آن وقت شناخت ما این بود که مهندس سبحانی، با سابقه ای که در زندان داشت و با آشنایی که به روایات او در زندان بوده است، فرد مبارز و ضد امپریالیستی است و می تواند بالقوه در جبهه متحد خلق قرار بگیرد. ما با این حساب، یعنی با یک حساب درست منطقی به او رای دادیم و تنها

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی «پرسش و پاسخ» با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش هایی که شرکت کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت. بخش اول این پرسش و پاسخ، در زیر درج می شود.

س: با توجه به پیام آیت الله منتظری به روحانیت خوزستان که در آن در مورد امر دفاع کشور ایران نگرانی شده بود، شما فکر نمی کنید که اختلاف در سطح رهبری موجب کوتاهی و یا تسامح و یا طولانی تر شدن جنگ بشود؟ سؤال دیگر این که جنگ در هفته گذشته از جانب ایران فرسایشی بوده است. آیا لیبرال ها و فرماندهان قوا در این صالنه منافعی دارند یا نه؟ در صورتی که این امر منفعتی برای آن ها نداشته باشد، می توانیم به حرف مسئولان باور کنیم که این یک تاکتیک برای تهاجم وسیع در آینده است؟

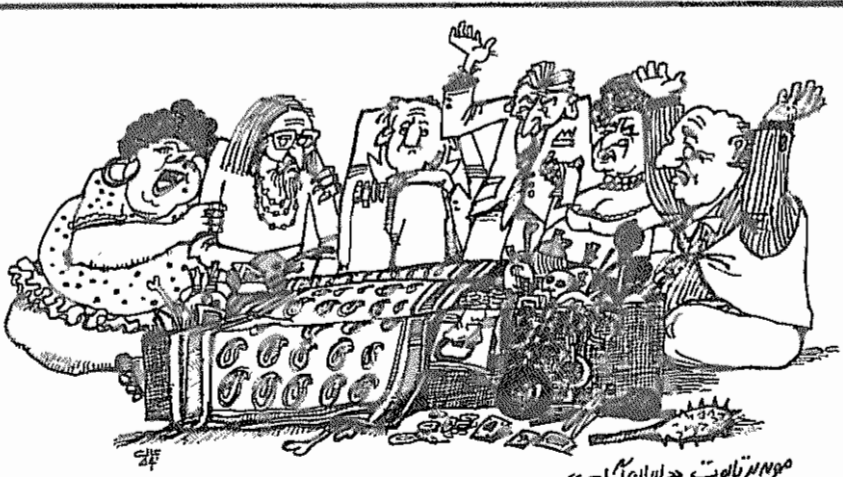
ج: در باره جنگ و اظهار نظرهای گوناگونی که در باره آن شده است، البته با اطلاع دقیقی از واقعت صحنه جنگ و وضع نیروهای خودی و دشمن نداریم که بتوانیم تفاوت مشخص و بدون تردید در این زمینه بکنیم. این کار آن نهادی است که در مسائل جنگ و دفاع از کشور مسئولیت دارند، صاحب نظر هستند و اطلاعات دقیق عم از همه جوانب کار در اختیارشان هست. البته این مسئله، این بحث در هفته های اخیر خیلی زیاد شده است. باید عم غلظتی این باشد که از طرف فرماندهی کل قوا چندین بار وعده وارد آوردن ضربات متقابل داده شد. همچنین در اخبار و اعلامیه های مختلف هم چنین وعده هایی داده شده است. طبیعی است که چنین وعده هایی همه را در انتظار نگه می دارد. بخصوص آن که همه مردم علاقمند هستند که هر چه زودتر متجاوزین از خاک ایران بیرون رانده بشوند و به تجاوز دارو دسته صدام حسین ضربه دندان سنگینی وارد آید. قهرمانی هایی که مبارزان ایرانی تا کنون در صحنه جنگ نشان داده اند این انتظار را دو چندان می کند. ولی البته این را هم باید در نظر داشت که، از یک سو، در لحظه آغاز جنگ از طرف ایران از نظر تدارکاتی و نظامی آمادگی برای چنین جنگی وجود نداشت و از سوی دیگر، جهت مقابل از مدت ها پیش نقشه چنین تجاویزی را کشیده بود. یعنی یک ارتش متجاوز در لحظه ناگهانی به کشوری حمله کرده است که هیچ گونه آمادگی برای چنین حملاتی را نداشته است. ما در این جا در این باره بحث نمی کنیم که عدم آمادگی ایران برای چنین حملاتی چه عللی داشت و این مسئله را باز می گذاریم تا بعد از جنگ. برای این که بحث و مسأله اصلی در این زمینه وجود دارد، و می توان انتظار داشت که در آینده یکی از مسائل مهم رسیدگی به عملکرد مسئولان باشد. البته آقای بنی صدر در «نار» به خود نظر خود را در باره این عدم آمادگی با صراحت گفته و تقصیر آن را در دست به گردن آن گمان و نیروهای انداخته است، که در صحنه سیاسی در مقابل ایسان قرار دارند، البته رسیدگی دقیق و همه جانبه مسئله عدم آمادگی در برابر تجاوز دارو دسته صدام حسین امری است ضروری، که باید زیر نظر مردم انجام گیرد و به هیچ وجه نباید حقایق را از آنها پنهان نگه داشت. ولی به هر حال، این واقعیتی است که ایران فاقد چنین آمادگی بوده است و اگر ما توانستیم که خیلی زود از پیروزی تهاجم تدارک دیده جلوگیری کنیم، این را مدیون شور انقلابی عظیم و بی سابقه ای هستیم که همه مبارزان ضد تجاوز آمریکا - صدام با ابراز غذاکاری و جاسازی بر او از خود نشان می دهند.

این که در جریان این جنگ سستی هایی وجود داشته، خیانت های بی پایان و بی دریغی و حتی هنوز هم معنی است وجود داشته باشد، ما این را از رجون امیدوارانه امام در شورای عالی دفاع، آقای حسینی، یکی دیوار به طور صریح شنیده ایم. خود رئیس جمهور هم در بعضی از بیانات خود صریح یا تلویحی از این گونه نقاط ضعف یاد کرده است. حالا حدود این کمبود ها، این ضعف ها، این سستی ها و ضما خیانت ها، حقدور بوده و تأثیر این گونه عوامل در باره تعویق حمله متقابل نیروهای مسلح تا چه حد است، در این باره ما به هیچ وجه، با اطلاعاتی که داریم، نمی توانیم تفاوت بکنیم و صحیح هم نیست که تفاوت کنیم، چون این به معنی حتم از کنار کرد است. این را باید همان طور که گفتیم رسیدگی دقیق نشان بدهد.

هم او بود. چند نفر دیگری هم بودند که به همین حساب، به آن ها رای دادیم. مثلا به آقای حبیبی در انتخابات ریاست جمهوری، به عسکری در دیگری از افراد منتسب به روحانیت مبارز در تهران و در شهرستان ها در انتخابات مجلس. یعنی حساب آن روز ما حساب دقیق، منطقی و صحیحی بود و این آن افراد هستند که با چهره سیاسی خود را تغییر داده اند و یا آن که چهره واقعی شان در آن زمان برای ما مشهود نبود. حتی افرادی هستند که زمانی با ایمان کامل توده های بودند و بعدها چهره سیاسی شان را عوض کردند و احتمالا هم خائن از آب درآمدند. طبیعی است که برخورد ما با این رفقای سابق هم تغییر پیدا می کند و کسانی را که پیش از این رفیق بودند و رفیق شان می نامیدیم، الان خائن بدانیم. این مسئله ای است که تنها مربوط به سازمان ما نمی شود. مگر همین آقای بازرگان نبود که نمی توانست تا آخرین لحظه دوست عزیز و دیرینه اش، بختیار را فراموش کند و هنوز هم نگفته که او خائن است. خوب، شناخت احزاب و گروه های سیاسی هم به همین ترتیب می تواند تغییر پیدا کند. درست این است که ما در هر لحظه بر اساس شناخت موجود تصمیم بگیریم. نه آن که ادعا بکنیم که ما علم غیب می دانیم و از حالا می توانیم بدانیم که فلان کس سه سال دیگر موضع گیری سیاسی خود را تغییر خواهد داد یا نه. این هم درست نیست اگر فهمیدیم کسی که به او اعتماد کردیم و به نفع او رای دادیم حالا بالانش کج درآمده یا جایز را عوض کرده، یا شناخته شده است، حالا برای این که حرف ما بد در نیاید در باره او موضع گیری نکنیم. ما درباره بسیاری از شخصیت های سیاسی ممکن است به تناسب موضع گیری های خود آنها چندین بار تغییر موضع بدهیم. ما نمونه افرادی را داریم که برخورد اول ما نسبت به آنها خیلی منفی بود و بعد در نتیجه تغییر مبنی که در سیاست آنها عمل زدند، ما موضع خود را نسبت به آنها تعدیل می کنیم. مگر تا کی کسی انقلابی تری از لنین سراغ داریم؟ خود لنین چندین بار برخورد سیاسی خود را با «اس. آر. ها» و «ترونسکی» به نسبت عملکرد سیاسی آنها تغییر داد.

به این ترتیب ما فکر می کنیم در این زمینه اشتباه نکردیم. دوستان ما باید این را عمقا درک بکنند که دیگر این سؤالات برای شان مطرح نشود. حزب روی این برداشت هست که همیشه موضع گیری خود را نسبت به شخصیت ها و جریان های سیاسی، مشخص می کند. مسئله ای که برای دیگران هم همین طور مطرح است. مثلا به موضع گیری های سازمان حرکت های فدایی خلق «اکثریت» در سال پیش نگاه کنید. به عقیده های سازمان در سال پیش، «کومله» و «یکار» و «خط چهار» و «دمکرات» های طرفدار فاسلوه همه «انقلابی» بودند و فقط با آن ها می شد همکاری کرد. در حالی که حزب توده ایران و تمام روحانیت مبارز، خارج از صحنه انقلاب بودند، و عوامل امپریالیسم حساب می شدند! خوب، حالا کار به جایی رسیده است که این سازمان به مجاهدین نامه سرگشاده می نویسد، ما این موضع گیری را درست می دانیم، و این تغییر را مثبت می شمیریم. و از آن استقبال هم می کنیم. چریک ها در این نامه بخصوص به استباهاتی که در گذشته کرده اند با کمال روشنی و صداقت اعتراف کرده اند. این نشانه خیلی مثبتی است. ما موضع خود را در برابر لیبرال ها در گزارش پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی با تمام صراحت اعلام کردیم و گفتیم که این ها از انقلاب روی گردان خواهند شد و حتما به طرف همکاری با ضد انقلاب خواهند رفت. ما خاطرنشان ساختیم که این بدیده، پدیده ای است که باید بر است و آن را با قاطعیت کامل پیش بینی کردیم.

به این ترتیب، وقتی که ما برنامه جبهه متحد خلق را مطرح کردیم، در عین حال گفتیم که لیبرال ها در این جبهه باقی نخواهند ماند و به این جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی که زمانی در آن شرکت داشتند، پشت خواهند کرد. خوب، ما در آن جا نسبت به شخصیت های معینی شناخت نادرست داشتیم. این شناخت های نادرست حتی در جهت مخالف هم بود. یعنی کسانی که ما در آن تاریخ خیال می کردیم منفی هستند، بعد در تجربه معلوم شد که نه، آن ها مثبت هستند. این که حزبی درباره افراد اشتباه ارزیابی بکند غیر عادی نیست. آن چه خطرناک تر است، آن است که درباره نقش طبقات و جریان های سیاسی دچار اشتباه شویم و ما خوشبختانه در این زمینه در دوران انقلاب دچار اشتباهی نشده ایم و برعکس ارزیابی ایمان در همه این موارد درست از آب درآمده است.



اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترمانست

در مطبوعات کسب

مستکبران داخلی، عمال امپریالیسم اند

است که ملی گرایان همه سلاخ خود را به کار می برند تا مبارزه ضد امپریالیسمی را صبح، و از سر خود سحر بکنند. و از محوی حالسی سازد. هدف آنان این است که، مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی، با مبارزه بر ضد مستکبران داخلی بوام شود، یعنی همان مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی سر در حد حرف و شعار باقی ماند. مستکبران داخلی،

از: گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

بقیه از صفحه ۴

حیدر راست به حزب اردبیل دادند؟ شما صاحب صحیح به این سؤال می توانید برراری این اعتماد کمک کند و به عبور و تبدیل برخی شخصیت های مهم.

حال چه باید کرد؟

برب جامعه سوسیالیستی آن است که وسله و ساحار آن را دارد

که خود به اصلاح انسابات و رفع کاستی های گذشته بپردازد. علت آن است که روابط میان کارگران، حزب، سدیکاهای کارگری و دولت، برانه تصادهای ذاتی استوارست، زیرا که این مسائل ماهیت روابط میان کارگر و کارفرما را ندارد و ادامه ساختمان سوسیالیستی به سود همگان است.

اندوخته های سرمایه داری این آرزو را، که کارگران و مردم لهستان از سوسیالیسم رویگردان خواهند شد،

بازراد خانه هنر، جنگ علیه امپریالیسم امریکارا تشدید کنیم

طلسم هنر هم باطل شد!

حجت الاسلام موسوی تبریزی در مراسم ۲۸ صفر در قزوین: او یکادشمن اصلی انقلاب ایران است

مردم قزوین: ما در جنگیم با شیطان، چه با کارتر چه ریگان حجت الاسلام موسوی تبریزی، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، روز ۱۵ دیماه ۵۹، ضمن تظلم در اجتماع مردم قزوین به مناسبت ۲۸ صفر، تصریح کرد که: «آمریکا دشمن اصلی اسلام راستین و انقلاب ماست.» حجت الاسلام موسوی تبریزی، که در مقابل گروه کثیری از مردم قزوین سخن می گفت، پس از تصریح این نکته اضافه کرد: «اما عده ای هستند که بنام امام علیه ام و بنام اسلام علیه اسلام و بنام آزادی علیه آزادی کار می کنند. شناخت اینها مشکل است.»

وی آنگاه چنین ادامه داد: «در جامعه ما ۴ منطبق وجود دارد: یکی این منطبق است که می گوید دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با گرفتن جاسوسخانه به ایران خیانت کردند، ما را منزوی کردند، موجب شدند که امریکا و اروپا ما را محاصره اقتصادی کنند. اینها حتی تجاوز اخیر به عراق و توطئه های امریکا را به حساب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می گذارند، منطق دیگر منطق امام است. وقتی که دانشجویان ما جاسوسخانه را گرفتند، امام اعلام کرد که این انقلابی بزرگتر از اول است و ما منزوی نیستیم. ملت ایران این ۴ منطق را ببینند و قضاوت و مقایسه کنند.»

حجت الاسلام موسوی تبریزی در بخش دیگری از سخنان خود، به گروهی که داد «آزادی» نیست را سر داده اند، اشاره کرد و گفت: «درحالیکه ما محاصره اقتصادی شده ایم، در حالیکه با امریکا در جنگ هستیم، در حالیکه چند کیلومتر از خاک ما، مورد تجاوز قرار گرفته است، در حالی که هنوز پرونده های کودتاگرانی که می خواستند در عرض چند ساعت چند میلیون نفر، از جمله امام را بکشند، تحت بررسی است، در حالی که ستون پنجم شدیداً فعال است، عده ای در این شرایط شعار آزادی می دهند، یا «شعار می دهند که زندان نباید باشد!»

وی خاطر نشان ساخت که همه خواهان این مسائل هستند، ولی در صورتیکه تمام ارکان انقلاب مستحکم شده باشد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی در پایان سخنان خود، خواهان وحدت بیشتر مردم شد و با شعار «همه باید متحد شویم» سخنان خود را پایان داد.

پس از پایان سخنان حجت الاسلام موسوی تبریزی، مردم قزوین طی یک راهپیمایی و با شعار: ما در جنگیم با شیطان چه با کارتر چه ریگان، جایزه ۲ شهید از لشکر ۱۶ زرهی قزوین را، که اهل تبریز بودند، بسوی زادگاهشان تشییع کردند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: امید که در روزهای آینده شاهد مراحل نهایی شکست و طرد متجاوزان مزدور باشیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران خطاب به کلیه رزمندگان انقلاب در جبهه، به مناسبت پیروزی اولین مرحله تهاجم بر دشمنان متجاوز، پیامی فرستاد. در پیام رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به اینکه، تهاجم نیروهای انقلاب «به انتظار شدید همراه با تکرانی مردم و طرد متجاوزان مزدور باشیم.»

حمله ای که شد...

خوزستان متلاشی کرده، یعنی دشمن این هیچ نقطه اتکالی که بتواند، در آن استقرار پیدا کند، تا مرز ندارد. و نیروهای ما می توانند به پیشروی خودشان ادامه دهند، تا مرز، تا شله چه می تواند بروند.»

تعداد بسیار زیادی از مزدوران عراقی به اسارت درآمده، که تاکنون ۸۰۰ نفر از آنان تخلیه و تحت مراقبت قرار گرفتند. در این اطلاعیه ضمن اعلام هلاکت عده زیادی از تجاوزگران صدامی و به غنیمت گرفته شدن تعدادی تانک، توپ و نفربر آمده است: «حمله متقابل نیروهای کفر شدیداً دفع و ۲ فروند میگ و یک فروند هلی کوپتر، که قصد حمله به نیروهای اسلام را داشتند، ساقط و منهدم گردید.»

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه ۳۶۳ خود، که دیروز انتشار یافت، تازه ترین خبرهای مربوط به نتیجه حمله تهاجمی وسیع نیروهای مسلح انقلاب علیه متجاوزین صدام را اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «سپاه اسلام در پی پیروزیهای قبلی، ضربات قاطع دیگری در روز جاری، (۱۶ دی)، در منطقه اهواز به دشمن کافر وارد ساخته است. در حملات انجام شده،

عده دار دفاع از موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. هنرمندان متعدد باید با بهره گیری از زرادخانه هنری فرهنگ مان، با همان ابزار و وسائلی که امریکا، چون مار از پونه آن پرهیز داشت، یعنی هنر اصیل، مردمی و انقلابی، به نبرد تعیین کننده با او برخیزند، و همراه مدافعین از جان گذشته انقلاب، که در جبهه های غرب و جنوب کشور، به جنگ عادلانه مشغولند، پیروزی را تضمین کنند. با توجه به این مسئولیت سترگ است که حجت الاسلام خامنه ای، در خلیه نماز جمعه (۳۰ آبان ۵۹) گفت: «شعرا و هنرمندان باید آهنگی خود را پیش از پیش کنند... من از همه شعراء نقاشان و هنرمندان گوناگون می خواهم که هنر توانا و نیروی ارزشمند خود را در خدمت و در تداوم انقلاب قرار دهند.»

دوستان و رفقای هنرمند! ناگفته نماند که امپریالیسم امریکا، این نمک چشته ایران، به هیچ قیمتی، داوطلبانه از سر سفره رنگین ایران بر نمی خیزد. حجت الاسلام موسوی تبریزی در بخش دیگری از سخنان خود، به گروهی که داد «آزادی» نیست را سر داده اند، اشاره کرد و گفت: «درحالیکه ما محاصره اقتصادی شده ایم، در حالیکه با امریکا در جنگ هستیم، در حالیکه چند کیلومتر از خاک ما، مورد تجاوز قرار گرفته است، در حالی که هنوز پرونده های کودتاگرانی که می خواستند در عرض چند ساعت چند میلیون نفر، از جمله امام را بکشند، تحت بررسی است، در حالی که ستون پنجم شدیداً فعال است، عده ای در این شرایط شعار آزادی می دهند، یا «شعار می دهند که زندان نباید باشد!»

درباره تشنج و درگیری اخیر در گیلان ضد انقلاب آب را گل آلود میکند!

ضد انقلاب باز هم در رشت حادثه آفرید، شسر را به کام تشنج کشید و بر گیلان گرد اضطرار و نا آرامی پاشید. فاجعه ای که در روز یکشنبه ۱۴ آبان ۵۹ در رشت رخ داد و به قتل یک فروشنده «مجاهد» انجامید، واقعه تازه ای نیست. ضد انقلاب فرمای انقلاب تاکنون، به اینگونه جنایات دست بسیار آورده است. آنچه به این واقعه اهمیت خاص می بخشد و تعمق برمی انگیزد آنستکه، فاجعه فوق و درگیریهای گسترده پس از آن، با تفاوت در شکل حادثه، همواره پیش از هر توطئه براندازی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به مرحله اجرا درآمده و صحنه درگیری میان گروههای مردم بدل کرده است. در روز-

های پیش از توطئه طیس، کودای ۱۸ تیر و یورش لشکر صدام حسین به مین انقلابی ما این سناریو تمام و کمال به اجرا درآمده و عرصه کشور و از جمله شهرهای گیلان به صحنه تحریکات ساواکیا و مائوئیست های ضد انقلابی، تبدیل شده بود. متأسفانه ضد انقلاب همواره با استفاده از ضعفها و ناآگاهیهای برخی از گروههای انقلابی، ولی اشتباهکار، ناپخته و سردرگم به این هدف دست یافته است. روش عمل یکسان است: ضد انقلاب در پی تحریکی حساب شده به گروههای فوق الذکر یورش می برد، دفاتر، یا اعضا و هواداران آنها را مورد حمله قرار میدهد و گاه دست به جنایت نیز می زند. این اعمال معمولاً کمتر

نفر از افراد ارتش مزدور عراق که به اسارت درآمده اند، شناسایی و شمارش شده و به بازداشتگاه تحویل شدند. کار شمارش، شناسایی و تحویل بقیه افراد اسیر شده به بازداشتگاه، همچنان ادامه دارد. همچنین ارتش ایران در عملیات دیروز خود ضایعات بسیاری بر دشمن وار ساخته و بخشی از آن که تاکنون گزارش شده، چنین است: ۴۵ دستگاه تانک، ۳۵ دستگاه خودرو، ۱۵ دستگاه موشک و ۳ فروند هلیکوپتر دشمن متجاوز منهدم و نابود شده است و تعداد ۱۵ دستگاه جیب، ۴۵ دستگاه انواع مختلف خودرو، ۱۰ دستگاه نفربر زرهی، مقادیر زیادی مهمات و تعداد قابل ملاحظه ای تجهیزات و وسایل انفرادی به غنیمت گرفته شده است.

صلابت مردم زحمتکش شد. و اینک در پایان شب، هنگامی که آفسون طلسم از هم می پاشد، آنچه توده مردم به آن نیاز دارد، هنری بسیجنده، نیرو ده، امید بخش و پیکار جوست، که با دم مسیحاتش در کالبد کینه ۲۵۰۰ ساله، نشان بدمد و آنان را علیه هر چه ظلم و بیدادگری است، بشوراند.

انقلاب شکوهمند مردم ایران، عهده دار ترویج چنین هنری است و هنرمندان انقلابی ما وظیفه مند تحکیم و تعمیق آن هستند، بویژه در این شرایط حساس و تعیین کننده. که امپریالیسم امریکا به تشنج چون قبل از مرگ مبتلا شده و، بقولی، خون جلوی چشمهایش را هم گرفته است!

زمین در جبهه جنگ و با وسائل و ابزار جنگی، علیه این دشمن مار خورده افمی شده، به تنهایی کافی نیست. باید تمامی جبهه ها را علیه او گشود و از تمام امکانات موجود بهره برد. و گسترده ترین عرصه ای که میتواند در این کارزار وسیع خدمت کند، عرصه بیکران هنر است و یکسان از متعهدش هنرمند، که چون سربازی

نیروهای مسلح...

بقیه از صفحه ۱ وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۶۱ خود، شرح عملیات گسترده تهاجمی روز دوشنبه ۱۵ دیماه ۵۹ در منطقه اهواز را، که با هماهنگی کامل نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی انجام گرفت، اعلام کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «بر اثر گزارشات تأیید شده ای که تا ساعت ۲۲:۴۵ دیروز، ۱۵ دیماه، واصل شده است، در این عملیات، ارتش مهاجم عراق ۲۰۰ کشته و ۴۵ مجروح، به جای گذاشته است. و تاکنون ۵۰۰

نیروهای اشتباهکار، ناپخته و سر درگم را به «منشاء اصلی» توطئه، رهنمون شده است و معمولاً آنکس که مقصر و نامرد میشود، «هیئت حاکمه» است. در پی این تحریک اولیه، درگیری و تشنج بالا میگیرد، در این موقع است که ضد انقلاب از سوی دیگر به آن پاسخ میدهد. در نتیجه تشنج و درگیری گسترش می یابد، نا آرامی بهترین زمینه را برای تشدید فعالیت توطئه گران فراهم می آورد. فاجعه رشت، که در پی حادثه خیابان مبارزان تهران رخ داد نیز، همین هدف را تعقیب می کند: تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری و شکاف میان صفوف مردم در آستانه انجام توطئه هفتم امپریالیسم امریکا علیه

یک منبع موثق در اهواز گزارش داد: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، متشکل از برادران ارتشی، پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نامنظم، در نخستین مرحله حملات تهاجمی خود، تمام واحدهای زرهی مزدوران صدام مستقر در منطقه پسالای کرخه کور را منهدم کردند. تعداد تلفات نیروهای خودی در این عملیات بسیار اندک گزارش شده است. آخرین خبرها یک منبع موثق در ستاد جنگ آبادان اظهار داشت که: «در حمله پیروز (۱۵ دی) ۲ تیپ از نیروهای عراقی منهدم و ۱۷۰۰ اسیر و صدها تانک، خودرو و نفربر عراقی به دست نیروهای اسلام افتاده است.»



بمناسبت یکمین سالگرد روز پیروزی خلق کامپوچیا - آزادی کامل پنومپن (۱۷ دی ۱۳۵۸)

سیاست خارجی کامپوچیا،

سیاست صلح و دوستی با خلقها



پنومپن: جشن تاسیس یک مدرسه تازه. بیشتر کودکان برای اولین بار به مدرسه میروند.

در ۱۷ دی ۱۳۵۸، «شورای انقلابی خلق کامپوچیا» قدرت را در کامپوچیا بدست گرفت. اینک با گذشت یکسال از سرنگونی رژیم خونبار پوپوت - ینگساری، که دزخیم ۳ میلیون انسان بی گناه بود، توسعه طلبان چینی، به دستگیری امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهگان خود، توطئه ها و تحریکات تبلیغاتی و نظامی وسیعی را آغاز کرده اند. چین و آمریکا با حمایت از تحریکات مسلحانه تایلند، مسلح ساختن ضدانقلابیون و دامن زدن به هیاهوی تبلیغاتی درباره باصلاح تجاوز ویتنام، برای حفظ کرسی نمایندگان حکومت سرنگون شده پوپوت - ینگساری در سازمان ملل متحد تلاش می ورزند.

انقلاب ظفر نمون کامپوچیا حصارانزوا را درهم شکست و کامپوچیا نوین را به آغوش جامعه جهانی بازگردانید. ولسی برتری طلبان چین بیدرتک نمایش مضحکی را در سازمان ملل متحد به اجرا گذارند. نمایندگان رژیم پوپوت - ینگساری، که پایه های حکومتشان بدست مردم فروریخت و دیگر نماینده کسی جز خودشان بودند، درخواست تشکیل فوری شورای امنیت برای بررسی رخدادهای کامپوچیا را ارائه دادند، که با حمایت گرم و پر شور چین و آمریکا روبرو گردید. از این طریق، این دوهم پیمان، با دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل، مانع از رادیاقتن نمایندگان راستین و قانونی خلق کامپوچیا به سازمان ملل متحد شدند.

این اقدام مزورانه از جانب امپریالیسم آمریکا زمانی صورت پذیرفت که یک سال پیش از آن، در ۲۳ مرداد ۱۳۵۷، ایالات متحده مراتب «ناخشنودی و نگرانی» خود را نسبت به انسان کشی در کامپوچیا تسلیم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ساخته و کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده نیز در یکی از سخنرانی های خود «نگرانی دولت ایالات متحده را از بیدار ترور در کامپوچیا» و معرفی رژیم پوپوت بعنوان «شوروتترین نقض کننده حقوق بشر در جهان» ابراز داشته بود.

امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چین با اتخاذ چنین موضعی، قطع نظر از منافع مشترک، هدفهای خودخواهانه ای را نیز دنبال می کنند. هر دو کشور از رخدادهای دیگر گونسازی که در راستای تحکیم بنیانهای دمکراسی و ترقی اجتماعی در کامپوچیا صورت می پذیرد، ناخشنودند. ریشه های ناخشنودی امپریالیسم آمریکا را در شکست سیاست تجاوز و غارت در ویتنام، لاوس و کامپوچیا؛ و ازسوی دیگر در فقدان اهمی برای بی اعتبار ساختن سوسیالیسم باید جستجو کرد، از آن رو که رژیم ددمنش پوپوت آماج خوبی برای حمله به سوسیالیسم بود.

فارضای چین نیز در چهارچوب آمال سیاسی - نظامی دور رس و استراتژیک آن قرار میگیرد. نقشه محاصره ویتنام سوسیالیستی و دستیابی به خلیج سیام با شکست روبرو گردید. آرزوی آزمندانه یکن برای تبدیل ویتنام به سریل توسعه طلبی، بخاطر جنگ انداختن به سرزمین های آسیای جنوب شرقی، همانند جایی محو شد. برای آنکه ابعاد و اهداف دخالت چین در کامپوچیا و بهره جویی از خلك کامپوچیا بعنوان پایگاه تجاوز به ویتنام را روشن سازیم، کافیت بگوئیم که ۲۰۰۰۰ «کارشناس» دست آموز چینی در رژیم پوپوت حضور داشتند. امپریالیسم آمریکا، چین و دست نشاندهگان، در قبال فاجعه خلق کامپوچیا، با تلاشی تب آلود از پذیرفتن هرگونه مسئولیتی شانه تپی می کنند و تاکتیکهای

مرسوم خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیکری می کنند. آنها بویژه کشورهای «جهان سوم» را، که بسیاری از آنان از دگرگونی ها و پیشرفت های کامپوچیا درک روشنی ندارند و از سرچشمه خطر اصلی در جنوب شرقی آسیا بی اطلاعند، تحت فشار قرار میدهند. سرشت این خطر مهم در تجاوز چین به ویتنام و تهدیدهای مکرر چین علیه ویتنام، در پشتیبانی یکن و امپریالیسم آمریکا از گروه های تروریستی رنگارنگ، اعمال فشار و باج خواهی از کشورهای «آستان»، بی اعتنائی به «آزمون» پوپوت و سرنوشته خلقها و روند تشنج - زدایی و خلع سلاح نهفته است.

بر این بنیان، برتری طلبان چین به دسته های خرابکار پوپوت بعنوان اهرم تحقیق بخش آمال توسعه طلبانه خود می نگرند، و در تلاش هستند تا خلك تایلند را به پایگاهی برای «جنگ چریکی» علیه کامپوچیا تبدیل کنند. افزون بر آن، نقش مخرب و جنگ افروزانه تایلند، با توجه به حاکمیت سرپا وابسته آن به امپریالیسم آمریکا، شایان توجه جدی است. ازسوی، ضدانقلابیون پوپوتیست با برپایی کانونهای آموزش خرابکار در مناطق مرزی تایلند، به تجاوز و ویرانگری دست می زنند. از سوی دیگر، تایلند با پایمال ساختن حق استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت کامپوچیا، با شلیک های پیاپی توپخانه اش، مناطق مرزی کامپوچیا را زیر آتش میگیرد. همچنین از طریق راندن اجباری ۴۷۰۰۰ پناهنده از مرزهای مین گذاری شده، در هنگام بارانهای موسمی، و زیر چتر حمایت آتش توپخانه تایلند، ضدانقلابیون پوپوتیست درصدد راه گشایی به کامپوچیا هستند.

هم اکنون هزاران مستشار نظامی چینی برای تعلیم ضدانقلابیون مورد پذیرایی تایلند قرار میگیرند و در همان حال این کشور از پذیرش هرگونه دعوت برای حل عادلانه و پایان بخشیدن به درگیری های مرزی سر باز می زند. چندی پیش وزیران لشارجه لاوس، ویتنام و کامپوچیا، به پیروی از سیاست صلح جوانه اشان، در اولین گام، پیشنهاد ایجاد یک منطقه غیرنظامی در هر دو سوی مرز تایلند و کامپوچیا را ارائه دادند. ولی تایلند ضمن رد این پیشنهاد سازنده، که بسود کاهش وخامت در منطقه و بسود مردم هر دو کشور بود، اعلام داشت که ایجاد این منطقه غیرنظامی تنها باید شامل کامپوچیا گردد. بجاست که در فراسوی این تحریکات محافل امپریالیستی و مانوئیسی، به واقعیت مستگیری سیاست خارجی صلح جوانه دولت انقلابی خلق کامپوچیا که بیگانه از هر ماجراجویی و وخامت فرایی، خواهان صلح و امنیت پایدار در منطقه و جهان است، نظری بیافکنیم: بیدرتک، پس از پیروزی انقلاب،

«شورای انقلابی خلق»، یگانه نماینده قانونی کامپوچیا انقلابی، خواهان برقراری فوری روابط حسن همجواری و دوستی با خلقهای ویتنام، لاوس، تایلند و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا شد. این شورا همچنین تمایل خویش را به استقرار مناسبات دوستانه با همه کشورهای برپایه اصول همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم همبستگی با کشورهای نواستقلال، اردوگاه سوسیالیسم جنبشهای آزادیبخش ملی بیان داشت. از این روست که در بیانیه «جبهه متحد نجات ملی خلق کامپوچیا»، همخوان با خواستها و منافع اساسی مردم و همساز با سیاست جنبش عدم تعهد، اعلام گردید که کامپوچیا در هیچ پیمان نظامی شرکت نمیکند، اجازه تاسیس پایگاههای نظامی را به هیچ کشور نمی دهد و با تبدیل کشور خود به زرادخانه و بهره برداری از آن بعنوان پایگاه تجاوز و دخالت در امور دیگر کشورها، قاطعانه مخالفت می ورزد.

بر اساس این سیاست روشن و اصولی، «شورای انقلابی خلق کامپوچیا»، یگانه بیانگر قانونی منافع خلق کامپوچیا، خواهان پایان بخشیدن به هرگونه بحث پیرامون «مسئله کامپوچیا» در شورای امنیت سازمان ملل متحد است، زیرا این امر در سرشت خود نه تنها دخالت مستقیم در امور داخلی یک دولت مستقل محسوب میگردد، بلکه نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد است. کامپوچیا همچنین خواهان اخراج نمایندگان رژیم واژگون شده پوپوت و واگذاری کرسی آن به نمایندگان راستین مردم ستمدیده کامپوچیاست.

علیرغم تمام این تحریکات، اعتبار بین المللی جمهوری خلق کامپوچیا بطور فزاینده ای رشد و تعالی می یابد. کامپوچیا تاکنون از جانب ۳۰ کشور به رسمیت شناخته شده است، که در بین آنها شمار چشمگیری از کشورهای غیرمتعهد و از آن جمله هند به چشم میخورد.

در این دوران اوچگیری مبارزات ضد امپریالیسم و کوشایش فصل نوینی در عرصه سیاست خارجی کشور ما، در شرایطی که مردم ایران برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا، خصم مشترک خلقها، بپا خاسته اند. همخوان با منافع و مصالح مبین انقلابی ما و کامپوچیا، که دوران سازندگی و مبارزه سرنوشته ساز ضد امپریالیستی را از سر می گذرانند، شایسته است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، بخاطر نزدیکی با دوستان راستین انقلاب، حکومت برخاسته از بطن مبارزات انقلابی مردم کامپوچیا را، که یوغ خودکامگی را پس رانده اند، به رسمیت بشناسد.

آمریکا و چین، پاکستان را مسلح میکنند

آمریکا به چین سلاحهای تعرضی خواهد داد.

آمریکا و چین سرگرم تدارک توطئه های هستند که متوجه هندوستان و دیگر کشورهای آسیا است. روزنامه نیشن هالد تریبون، چاپ دهلی نو، ضمن اعلام این خبر، نوشت: «آمریکا و چین با مسلح کردن پاکستان تلاش میکنند که از آن برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کنند و در نزدیکی خلیج فارس مواضع استراتژیکی مناسبی برای خود تأمین نمایند.»

تکودور استیونس، سناتور آمریکائی، که در دولت ریگان مقام ریاست کمیسیون فرعی سنا در مسائل تخصیص اعتبارات نظامی را بعهده خواهد داشت، پس از مذاکره با رهبران چین در پکن، در یک مصاحبه مطبوعاتی، گفت که، امکان تحویل جدیدترین سلاح های تعرضی به چین از طرف ایالات متحده آمریکا را بعید نمیداند.

چین ۲۰۰۰ نفر را برای خرابکاری در لاوس مسلح کرد

چین خرابکاران و تروریست ها را برای فعالیت های تخریبی در لاوس تعلیم میدهد و مسلح میسازد. رهبر این تروریست ها، که خود را ژنرال «چامیا» می نامد، در یک مصاحبه با خبرگزاری فرانسه در بانکوک ضمن تأیید این خبر، گفت که تنها طی ماههای اخیر، نزدیک به دوهزار نفر از اقلیت های ملی لاوس در ایالت یوانان چین تربیت و آماده شده اند، تا در لاوس به خرابکاری بپردازند.

۷۵ درصد بر بودجه نظامی ژاپن افزوده شد

هیئت حاکمه ژاپن، زیر فشار امپریالیسم آمریکا، ۷۵ درصد بر بودجه نظامی کشور افزود. محافل حاکمه ژاپن برای توجیه این اقدام باز دستاویز کهنه و رسوای فخر شوروی را علم کرده اند، ولی واکنش محافل ترقی خواه کشور نشان داد که این دستاویز هیچکس را فریب نداده است.

بودجه نظامی ژاپن در حالی افزایش می یابد که اوضاع اقتصادی کشور رو به وخامت می رود و زحمتکشان بیش از پیش زیر فشار قرار می گیرند. تورم، بیکاری و ورشکستگی شرکتهای ژاپنی هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد.

در سال جاری نرخ تورم به ۸٫۴ درصد رسید. شمار بیکاران به یک میلیون و دویست و ده هزار نفر رسیده است و ۱۸ شرکت در سال ۱۹۸۰، ورشکست شده اند. بدینسان، مردم ژاپن در سال ۱۹۸۱، با چشم انداز تیره تری روبرو هستند.

امکان مداخله نظامی گسترده تر آمریکا در السالوادور

در حالیکه نیروهای انقلابی السالوادور هر روز مواضع تازه ای را بدست می آورند، سه تن از کارکنان پرسنل وابسته نظامی آمریکا در السالوادور، در یک مصاحبه مطبوعاتی، اعلام کردند که امکان مداخله گسترده تر نظامی آمریکا در السالوادور وجود دارد.

شمار کسانی که از اسرائیل مهاجرت می کنند، هر ساله افزایش می یابد

به گزارش رسانه های گروهی غربی، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت می کنند، سال به سال افزایش می یابد. تنها در سال ۱۹۸۰، شمار کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت کردند، ۳۲ هزار نفر بیشتر از کسانی بود که به این کشور مهاجرت کردند. ناظران در اسرائیل عقیده دارند که تورم لجام گسیخته، پایین آمدن سطح زندگی زحمتکشان و بی ثباتی ناشی از سیاستهای تجاوزکارانه رژیم تل آویو، از دلایل اصلی فرار اسرائیلی ها به خارج است. تورم در اسرائیل، در سال جاری به صد و هشتاد درصد رسیده است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 413 7 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۹۱ منطقه ۱۴ پستی تهران